نسیم جنوب

www.nasimjonoob.com

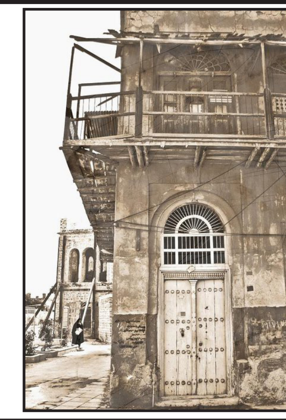
سال هیجدهم - شماره ۷۹۵ یکشنبه ۸ آذر ۱۳۹۴- ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



سعید نوذری هنرمند و مجری صدا و سیمای بوشهر:

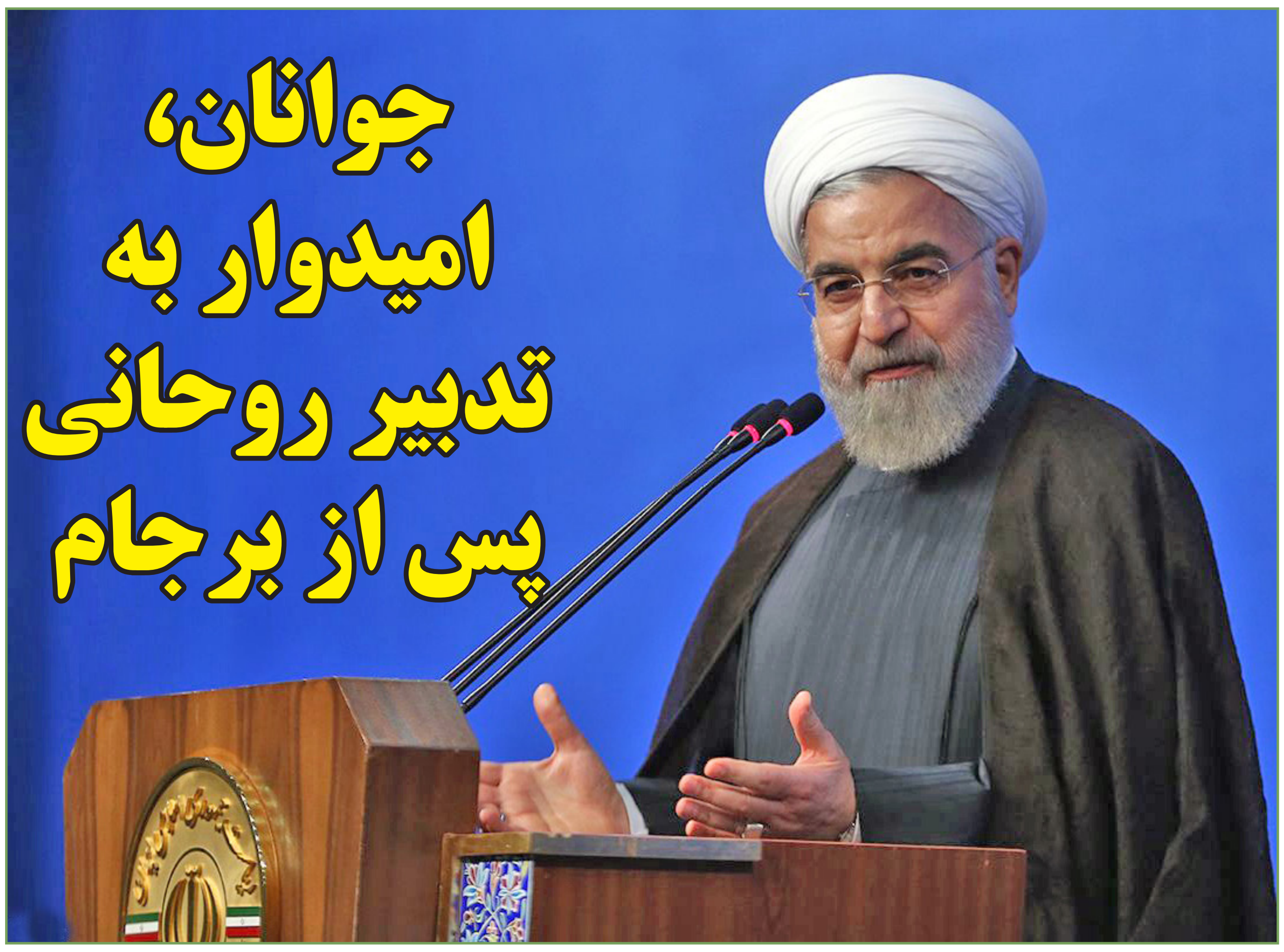
با هنرمندانمان هنرمندانه تر باشیم

صفحه۴



بافت قدیم بوشهر و مطالعات فرهنگی

اسماعیل حسام مقدم صفحه ۳



جوانان، امیدوار به تدبیر روحانی پس از برجام



زینب از شام غم، وارد کربلا شد

بر سر و بر سینه زنان و ماتم نشین است

۵

نافرمانی طبیعی کودکان را با لجبازی اشتباه نگیریم

شاهین افشارپور

۶

قلعه ی نصوری سیراف، قطب گردشگری

فراز غلامزاده

۸

دیدار با سید کوچک هاشمی شاعر و محقق شهرستان دشتی

زندگی با کلمه، واژه و کتاب

مهدی جهانبخشان

NASIM JANOUB
گزارش
شماره ۷۹۵ یکشنبه ۸ آذر ۱۳۹۴

گزارشی از وضعیت نابسامان بافت تاریخی بوشهر

بافت قدیم بوشهر؛ ارتفاع پست

ایران واعظ زاده

سرویس میراث فرهنگی ب: محله ی کوتی زیر گام هایم است؛ یکی از مهمترین نقاط شهر که به منزله ی هویت و شناسنامه ی بوشهر شناخته می شود. کوچه هایی تنگ و باریک با دیوارهایی بلند و عموما از جنس سنگ های آهکی مرجانی به قدمت شاید ۱۰۰ سال بیش....

درهای دو لنگه ی چوبی و پنجره هایی با شیشه های رنگارنگ در هر کوی و گذر زینت بخش این محلات بوشهر است؛ شاخ و برگ درختانی که خوش خوشان خود را بر شانه های دیوار حیاط بعضی خانه ها تحمیل کرده اند حس سرزندگی و نشاط به آدمی می بخشید. چه حس نابی بر انسان مستولی می گردد آن زمان که وجودش با یادگارهایی از فرهنگ و تمدن گذشته و همچنین هنر معماری اصیل ایرانی اسلامی درهم می آمیزد...

پنجره های خوش ترکیب با شیشه های رنگی که گذر زمان برخی از آن ها را شکسته و فرسوده ساخته اما هنوز هم میزبان درخشش نور خورشید در صبح های پاییزی هستند و نیاز با پرده های ضخیم و مجلل آنچنانی ندارند. از سر و وضع برخی خانه های دیگر هم پیدا بود که دیر زمانی نیست دستی بر سر و رویشان کشیده و آن ها را جانی تازه بخشیده اند.

لابد آن سوی هر پنجره، اتاقی با طاقچه های بلند قرار دارد که کفش پوشیده از گلیم های رنگارنگ سنتی است و چند پشتی و متکای دایره و بیزی شکل هم دور تا دور اتاق تکیه به دیوار دارند.

شب های زمستانی این خانه ها چه صفایی دارد وقتی اعضای خانه دورتا دور نشسته، در استکان های کمرباریک چای می نوشند و با هم گپ می زنند.شاید در مطبخ هایشان تنور هم دارند که نان های محلی خوشمزه بپزند؛ همچنین حیاطی با یک حوض و باغچه های سبزی کاری و یک بغل گل محمدی....این ها منازلی اند که صفا و صمیمیتی به وسعت دریا دارند و مفهوم ملیت و همگرایی فرهنگی از هر سوی شان هویداست. برخی کوچه ها چنان کوچک و باریک هستند که گنجایش عبور یک نفر را بیشتر ندارند. نم نم بارانی می بارد و فضا را دل انگیزتر می کند.

این خانه ها مرا یاد نقاشی های دوران کودکی می اندازند که متشکل بود از یک مربع و مثلثی که رویش قرار می گرفت و سقف خانه به حساب می آمد، با یک در کوچک قهوه ای و دو پنجره در طرفین آن.

اما برگه های ...

سرگرم همین خیالات هستم که ناگهان چهره ی محله اندک اندک گیرایی اش را از دست می دهد. بوی نامطبوع فاضلاب شامه را می آزارد؛ کوچه ها در نظرم بسیار ناهموار، کثیف و بی انتها می شوند. جلوتر که می روم آن خانه های زیبا و تداعی گر دنیای کودکی محو شده و جایشان را ویرانه هایی محقر با چشم اندازهای رقت آوری تصاحب می کنند. مسیرم را کج می کنم و به مغازه ی کوچک خواربارفروشی می رسم که خانم مغاره دار به همراه دو تن از اهالی محله در کنار هم نشسته و مشغول صحبت هستند. سلامی می کنم و علیکی می شنوم؛ خودم را برایشان معرفی کرده و وضعیت محل و مشکلات شان را جویا می شوم. یکی از آنان که جوان و حدودا ۳۵ ساله به نظر می رسید، مساله ی آب و فاضلاب را مهمتر از هر چیزی می دانست سپس گویی داغ دلش را تازه کرده و زخم دیگری بر آن نشانده باشم، با تنگ خلقی و اندکی خشم ادامه داد که من نه اولین و نه آخرین شخصی هستم که برای اطلاع از شرایط نابسامان و مشکلات اهالی به این جا مراجعه نموده ام.

او می گوید: «شهردار و استاندار هم به اینجا آمدند اما کاری از پیش نبردند و ما هیچ بهبودی در وضع محله مان ندیدیم.» و با همان لحن اضافه می کند که من نیز بدون ایجاد کمترین تغییر مثبتی در وضعیت و روند زیستی

آنان، را هم را می گیرم و می روم...

در دل به او حق می دهم که دلش این چنین از سخنان بی سرانجام و بی عمل گذشته ی مسوولین و اشخاصی که برای رفع معضلات وعده های پوچ و توخالی داده اند خون باشد. آن قدر افراد متعدد با کوله بارهای آکنده از ایده های روشن و قول های امیدبخش آمده و رفته اند که دیگر اعصاب شکننده ی وی حتی مجالی برای گفت و گو با گزارشگری که قصد دارد به نوعی صدایش را به گوش افراد ذی ربط برساند، نمی دهد. دیگری اما سن و سال دارتر و خویشتن دارتر می نمود. این طور که می گفت از ساکنان قدیمی محله ی کوتی است و پنجاه سالی می شود که اینجا زندگی می کند. برایم توضیح می دهد که در حال حاضر مهمترین مشکل، مشکل آب است و علاوه بر آب مساله ی خرابی کوچه ها و همین طور نبود امکانات برای لوله کشی گاز نیز زندگی را دشوارتر کرده است.

خانم مغازه دار همچنان ساکت و نظاره گر است. مرد اولی دوباره به سخن درمی آید اما این بار رنگ کلامش آغشته به غضب نیست. «مشکل لوله کشی فاضلاب هم هست که وقتی چاه پر می شود باید با زحمت زیاد و پرداخت هزینه های سنگین آن را تخلیه کنیم.» خطاب به هر سه می گویم که به بافت تاریخی و خانه های قدیمی عشق می ورزم و مایلم خودم نیز در خانه ای با همین سبک معماری زندگی می کردم و در آخر امیدواری ام را برای کمرنگ تر شدن مصائب و دشواری ها ابراز نموده و صمیمانه زندگی سبز و پرنشاط تری را برایشان آرزو می کنم.



در راه بازگشت با خودم فکر می کنم افرادی که دارای کهولت سن یا معلولیت جسمی هستند و منزلشان در دورترین و پرپیچ و خم ترین نقاط چهارمحل واقع است، چگونه از روی این قطعه زمین بسیار باریک و نامسطح به مقصد می روند؟ یکی از ساکنان محله ی بهبهانی دردمندانه اظهار می کند در این محل مشکلی نیست که وجود نداشته باشد؛ از ناهمواری ها و آسفالت نبودن کوچه ها گرفته تا ضعیف بودن برق و حضور شبانه ی سگ های ولگرد که آسایش و خواب راحت را از خانواده ها سلب کرده اند. وی می گوید: «آب را یک روز در میان در اختیار داریم و می توانیم خودمان را با آن وفق دهیم اما مسائل دیگر مانند مسطح نبودن کوچه ها و علاوه بر آن کوچه هایی باریک که در آن ها جوی های پهن ایجاد کرده اند، باعث زمین خوردن و آسیب دیدن بچه ها و افراد مسن می شود؛ اصلا آدم سالم هم نمی تواند درست از این مسیرها عبور کند. »

یکی دیگر از اهالی همین منطقه نیز مدعی است که چند ماه می شود برای رفع مشکل برق و روشنایی در کوچه ها پیگیری کرده اما تا کنون هیچ اقدامی برای اتصال برق صورت نگرفته است.

آن زمان این کوی و گذرها محل زندگی اشراف زادگان و تجار و همچنین سایر مردمان این دیار کوچک و تجاری بوده و هم اکنون بخشی از تاریخ و هویت بوشهر را شکل می دهند، اما با کمال تاسف و تاثر در گذر از پیچ و خم کوچه ها به وضوح می توان دریافت که این مساکن و معابر کهن، شوکت و جلال دیرینه خود را از دست داده و با گذشت زمان و عدم توجه و رسیدگی صحیح مبدل به ویرانه هایی گشته که برخی از آن ها را افراد غیربومی مانند کارگران فصلی یا جنگ زدگان و بی خانمان ها به تملّک خود درآورده اند. برخی ساختمان های دیگر نظیر خانه ی دکتر طبیب، ساختمان امیریه (شهرداری قدیم)، عمارت کازرونی، دهدشتی و ... که سراپاتر مانده و از استحکام و وسعت بیشتری برخوردارند، تبدیل به مراکز فرهنگی یا سازمان های اداری شده اند. در بخش هایی از این مناطق ساختمان هایی ساخته می شوند که هیچ هماهنگی و سنخیتی با معماری و بافت قدیم شهر ندارند. صدالبته که در طی این سالیان دراز سلیقه و شیوه ی زندگی مردم دستخوش دگرگونی های بسیاری شده و تحولات زیادی یافته است تا آن جا که سبک و سیاق زندگی بسیاری از مردم امروزی، زیستن در منازلی که کوچه های باریک دارند و ماشین قادر نیست از آنان عبور کند را برنمی تابد و سکونت در نقاط مختلف شهری و با معماری های مدرن ارجحیت می یابد.

شرایط چندان هم ناامیدکننده نیست...

«صادق سعیدی»؛ شهردار بافت قدیم در پاسخ به «ب» مبنی بر چگونگی وضعیت کنونی بافت قدیم و عملکردهای شهرداری اذعان داشت: «همان گونه که استحضار دارید بافت قدمتی بیش از ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال پیش دارد که متناسب با سبک زندگی و نیازهای مردم آن زمان ساخت شده است و امروزه با توجه به تغییر سبک زندگی و شیوه هایی که مردم برای زندگی خود در پیش گرفته اند برخی از این بافت ها شاید متناسب با شیوه ی زندگی و اسکان مردم و خانواده ها در این دوره نباشد.».

وی ادامه داد: «چندی است که شهرداری بافت فعال شده و برخی برنامه ها و طرح هایش را به مرحله ی اجرا گذاشته است. در سال های قبل نیز شهرداری ایجاد شده بود اما یک دست نبودن سیاست ها و عدم وجود انسجام همگانی سبب شد تا فعالیتی از آن دیده نشود. اکنون حدود یک ماهی می شود که شهرداری بافت شروع به کار کرده و یکی از اتفاقات خوشایند هم تهیه ی طرح تفصیلی ویژه ی بافت توسط مشاوران است که در این طرح راه کارهایی جهت حل مشکلات و مسائل مربوط به عمران، به سازی و نوسازی ارائه گردیده که ایجاد دیدگاه هایی عقلانی تر را می طلبد. آن نگاه اولیه که بر حفظ تمامی بخش های بافت، با همین شکل و فرمت پافشاری می کرد چندان منطقی نبود؛ به علاوه هزینه ی مرمت اغلب ساختمان ها بیشتر از ساخت دوباره ی آن است و پرداخت چنین مبلغ هنگفتی در توان مالکان این منطقه نبود؛ به همین خاطر مالک ها دست به کارهای دیگری از جمله تخریب ساختمان ها می زدند.» سعیدی افزود: « هم اکنون بافت وضعیت خوشایندی ندارد؛ هرچند من معتقدم چندان هم ناامیدکننده نبوده و وضعیت کالبدی و شرایط زندگی در بافت آن قدر هم سخت و پیچیده و بغرنج نیست. در بخشی از این ساختمان ها می توان نوسازی انجام داد اما این امر با در نظر داشتن و انجام یک سری شرایط و معیارها میسر می گردد. نقشه های کنونی نسبت به نقشه های صدسال قبل بهتر است و ساختمان هایی که اکنون ساخته می شوند به لحاظ معماری توجه بیشتری به آن ها شده تا ساختمان هایی که در گذشته ساخته می شدند. ساختمان های امروزی با دغدغه ی بیشتری ایجاد می شوند و کمیته ی مشترک معماری برای ساخت آن ها وجود دارد و حتما بایستی طرح های معماری به تایید میراث و مشاورین آن ها برسد و سخت گیری های بیشتری در خصوص ساخت و بافت وجود دارد. ما معتقدیم این سخت گیری ها نه تنها برای ساخت و صدور نقشه و پروانه بلکه در مورد نظارت نیز باید توجه ویژه ای بدان مبذول گردد که یکی از برنامه های مشترک شهرداری بافت و میراث، همین نظارت مشترک می باشد که مقدمات آن صورت گرفته است.»

سعیدی همچنین تصریح کرد: «سال آینده می تواند سال خوبی برای بافت قدیم باشد. یکی دو مجموعه را شناسایی کرده ایم که می تواند به تملک درآید و توسط شهرداری تبدیل به یک فضای شهری شود. این ها مواردی بودند که در حوزه ی کار شهرداری قرار می گیرد اما در حوزه ی کار سایر دستگاه ها همچون پوسیدگی لوله های آب و نبود فاضلاب شهری و گاز که هنوز به منطقه وارد نشده و همچنین سیستم روشنایی و این قبیل مسائلی که خارج از وظایف شهرداری و بر عهده ی سایر دستگاه ها است، سعی داریم تا با مشارکت آنان این طرح ها را به ثمر رسانیم. چیزی که امروز این بافت نیازمند آن است، مشارکت مردم می باشد. ما معتقدیم که این منطقه بایستی توسط خود مردم مدیریت شود و هر طرحی هم که قرار است به اجرا درآید، با نظر و مشارکت و پیشنهادات مردم صورت بگیرد..»

سعیدی در خصوص طرح های آینده بافت گفت: «شورای شهر در سال گذشته طرحی تحت عنوان مدیریت محله تصویب نمود که اکنون برای مسایل مدیریتی و نظارتی آن یک بازنگری مجدد بر روی آیین نامه و اصلاح آن صورت می گیرد. این طرح مبتنی بر ایجاد کانون هایی تحت عنوان کانون های مدیریت محلات می باشد که خود ساکنان محل در سه حوزه ی فرهنگی، زیست شهری و اجرایی بتوانند با مشارکت شهرداری و سایر نهادهای عمومی که در این محلات خدمات فرهنگی، آموزشی و خدمات دیگری همچون مسائل زیستی و سلامتی ارائه می نمایند، برنامه ریزی ها، تصمیم گیری ها، نظارت و اجرا را به دست بگیرند.»

نسیم جنوب
مقاله
شماره ۷۹۵ یکشنبه ۸ آذر ۱۳۹۴
NASIM JANOUB

بافت قدیم بوشهر و مطالعات فرهنگی



متن سخنرانی اسماعیل حسام مقدم در باب «ضرورت استفاده از رویکرد مطالعات فرهنگی در باب بافت قدیم بوشهر» - در عمارت کازرونی- بوشهر

تدوین و تنظیم: انجمن هامون ایران

مطالعات فرهنگی یک دانش بینارشته ای، میان رشته ای و چند رشته ای است. دانشی هست که انواع حوزه های مختلف به خصوص در علوم انسانی را در گیر خود می کند و به نوعی زاده ی دنیای مدرن هست. دنیایی که در سال ۱۹۶۰ به بلوغ گفتمانی می رسد و بسیاری از موارد اگر بخواهد مفاهیم یا راه حل هایی برایش پیدا شود، راه حل ها صرفن از یک رشته خاص امکان پذیر نیست، چون مسایل پیچیده شده، جامعه پیچیده شده و باید به این پیچیدگی پاسخ هایی داد تا آن پیچیدگی ها را بتواند در درون خود هضم کند من در پایان صحبت هایم به همین چند ساحتی بودن، پیچیده بودن و متکثر بودن بر می گردم که فضای مطالعات فرهنگی در جهان جدید این شکل از بیان مساله، تحلیل مساله و پاسخ به مسایل را ارایه می دهد. من در اینجا قصد توضیح مطالعات فرهنگی را ندارم بلکه کتابی هست تحت عنوان آشنایی با مطالعات فرهنگی، نوشته مهری بهار از انتشارات سمت؛ که دوستان می توانند مطالعه کنند. اما آن چیزی که وجود دارد دو حوزه ی بسیار خاص هست که لازم است من در اینجا به آنها اشاره کنم. اینکه از یک سمت یکی از وجوه مطالعات فرهنگی، مطالعه فرهنگ و سوژه ها و قدرت است. مطالعات فرهنگی از چه جنبه ای به فرهنگ نگاه می کند؟ از نگاه فرهنگ نخبه و برخورد آن با فرهنگ توده ای دوری می کند و آن را تبدیل به تحلیل و مطالعه فرهنگ روزمره یا زندگی روزمره می کند. چیزی که با مطالعات کسانی مانند هانری لوفور در جامعه شناسی با آن مواجه هستیم و بالتبع هانری لفور در مطالعات معماری و بسترهای زیستی هم نظریاتی دارد. پس یک وجه مطالعات فرهنگی؛ فرهنگ به مثابه فرهنگ و زندگی روزمره هست. در جای دیگر از این تعریف ما به بحث قدرت می رسیم. قدرت از آن نگاه بسیار متمرکز و منسجم درآمده و مبدل شده به قدرت به مثابه ی یک امر مویینه. این مبحث را نظریه پردازی تحت عنوان میشل فوکو ارایه می دهد و در کنار این موضوع؛ سوژه مندی یا سوژه بودگی یا آن کسانی که در جامعه دارند زیست می کنند و این مساله نیز از مطالعات روانکاوانه شکل می گیرد، کسانی مانند زیگموند فروید و ژاک لکان. پس یک بحث از مطالعات فرهنگی در رابطه ی بین فرهنگ و امر روزمره، سوژه ها که از ناخودآگاه سوژه ها بیشتر بحث می شود و بحث قدرت که مویینگی دارد و صرفن منسجم نیست. این یک تعریف است. تعریف دیگر تعریفی است که عملن مطالعات فرهنگی با چه چیزی سر ستیز دارد. سه وجه مطالعات فرهنگی دارد که خود را در تقابل می بیند، یکی ضد «جهانشمولیت» است یعنی ضد کل گرایی. اگر که ما تا پیش از این، به خصوص ریشه های هگلی علم مدرن روبرو بودیم که همه چیز را می خواست کلی کند و با کلیت می خواست یک تعریفی را ارایه دهد ما در مطالعات فرهنگی با جزییات و با چیزهای کوچک روبرو هستیم و به همین دلیل پیچیدگی ماجرا در جهان معاصر بسیار بیشتر می شود. وجه دیگر ضد «تقلیل گرایی» هست. یعنی مطالعات فرهنگی تقلیل گرا نیست مثلن اگر نظریه های مارکسیستی همه چیز را در نهایت به امر اقتصاد تقلیل می دهد، در مطالعات فرهنگی این تقلیل گرایی وجود ندارد و مباحث را بدون تقلیل گرایی پیش می برد و بحث خود را ارایه می دهد. همه چیز منتهی به یک چیز نمی شود بلکه همه چیز منتهی به تکثری از مفاهیم و حوزه ها و مقولات می شود. در نهایت ضد «مطلق گرایی» هست. اینکه مطلق گرایی یا جزمیت اندیشی خاص علم مدرن که همه چیز را در پایان به یک چیز خوب منتهی می شد را نمی داند بلکه این بحث را بوجود می آورد که ممکن است در آینده این مسیر و حرکت به سقوط بینجامد. یعنی همه چیز دیالکتیک مثبت نیست. یعنی شاید چیزی به رشد نرسد چه بسا به ضد خود بینجامد. این چیزی هست که آدورنو با عنوان «دیالکتیک منفی» از آن یاد می کند. چه بسا به پیشرفت برسد و یا شاید به ضد پیشرفت منتهی شود. اتفاقی که ما در آلمان دوره نازیسم می بینیم. بعد از آن همه فرهنگ والا در نهایت با چه چیزی روبرو می شویم... نازیسم.

من در ادامه صحبت به این موارد می پردازم. این رویکرد مطالعات فرهنگی با این دو تعریف خاصی که من در اینجا ارایه دادم، اینها به درد مسیر آینده ما می خورد.

در بخش دوم به این مساله می پردازم که مطالعات فرهنگی چه کمکی می تواند به بافت قدیم کند؟ بافت قدیم به معنای بستر، Context، آن چیزی که ما درون آن داریم زیست می کنیم و دارد این بستر را برای ما ایجاد می کند که ما چیزهایی خلق کنیم. زندگی ایجاد کنیم. زیستن بوجود بیاوریم. از ۱۸۵۰ ما با سلطه تفکرات تاریخیت گرا و زمان مند چیزی که ما در مطالعات کسانی مانند مارکس و هگل می بینیم و این اندیشمندان، اندیشمندانی چند ساحتی هستند. یعنی چند بعدی هستند. یعنی صرفن فیلسوف یا جامعه شناس یا اقتصاددان نیستند بلکه در همه ی حوزه های علوم انسانی دارند به تحلیل و ارایه بحث می پردازند. ما با یک پارادایم و الگویی مواجه می شویم که در درون خود هژمونی زمانمندی را دارد.

یعنی همه چیز در درون زمان دارد شکل می گیرد. یعنی اگر می خواهد مثلن حوزه های مختلف اجتماعی را تحلیل، می گوید که از فلان تاریخ تا فلان تاریخ ما با دوران پیشامدرن مواجه هستیم. یعنی ما از سال ۱۸۵۰ به بعد با وجهی روبرو هستیم که همه چیز با تاریخیت گرایی مواجه هست. حالا عواقب این ماجرا را من می بینم و نشان می دهم که چه عواقبی این هژمونی "زمان" می تواند بر ما ایجاد کند.

ما در مطالعات گسترده ای که در شهرهای متفاوت و از جمله استان بوشهر هست ما همواره با مطالعات کورونولوژیک مواجه هستیم. یعنی زمانمند هست. یعنی می گوید در زمان فلان ما فلان کار را می کردیم. این خوب هست اما مساله اینجاست که این هژمونی مطالعات ما را به چه سمتی می تواند پیش ببرد. این آن چیزی است که مطالعات فرهنگی دارد از آن فاصله می گیرد و نهیب آن را می زند. تاریخیت گرایی محض چیزی بود که بخصوص با مطالعات هگلی ما با آن مواجه شدیم و به نوعی وقتی ما در مطالعات خود زمان مندی می کنیم باید متوجه باشیم این تاریخیت گرایی محض ما را به چه سمتی پیش برد. به سمتی پیش برد که کتاب هایی از این دست که مثلن روح آلمانی که هگل از آن حرف می زند، همه این موارد مرتبط با مباحث تاریخیت گرا و زمانمند هست. یعنی مباحثی هست که در زمان شکل گرفته و با خود این زمان را به جلو می برد و چیزی که در اینجا ذبح می شود مکان و جغرافیا هست. اینکه مکان کجای این تفکر قرار می گیرد و این چیزی است که فراموش و به آن بی توجهی می شود. این نوع تفکر اگر در آلمان، کشوری که با فرهنگ بسیار غنی به یکباره فاشیسم و یا نازیسم از آن سر بر می آورد، تئودور آدورنو تحلیلی که ارایه می دهد دقیقن یکی از وجوه آن این مساله هست. این زمانمندی محض باعث می شود، چیزی که به کنار گذاشته شود، جغرافیا و مکان باشد. اینجاست که تفکراتی مانند نازیسم بوجود می آید و این تفکرات، تفکرات تاریخیت گرا هستند و می خواهند به آن ریشه های نژاد برگردند و این ماجرایی است که آدورنو تحلیل می کند و می گوید خطر بزرگی که از تفکرات کل گرایانه و مطلق اندیشانه ی تاریخیت گرا می تواند به وجود آید یکی همین ماجرای فاشیسم و نازیسم هست که سر بر می آورد و این اندیشه ها، اندیشه هایی که ما در قرن بیستم با آن مواجه هستیم. این یکی از آن مفاهیمی است که ما با آن روبرو هستیم. در مرحله ی بعد ما متوجه می شویم که این مکان هست که تبدیل به یک پارادایمی می شود که هژمونی پیدا می کند و دارد خود را تعریف می کند ولی این ماجرای زمان یکی از آن آسیب ها و پاشنه آشیل هایی است که من در اینجا به عنوان کسی که مطالعات گسترده ای را دیده و خوانده ام می توانم بگویم که یک مشکل اساسی مطالعات تاریخی ما به طور خاص این است که کل گرا هستند و هژمونیک شده اند به طور مثال اگردر خصوص بافت نیز بخواهیم مطالعه کنیم مطالعاتی را می بینیم که تاریخی هستند و مطالعات از نوع معماری و یا اینکه بستر فضا را تحلیل کند، مواجه نیستیم بلکه با زمان روبرو هستیم اینکه در چه زمانی شکل گرفته و در چه زمانی چه اتفاقی افتاده است.

این زمان است که هژمونی یا سلطه ی اصلی را دارد و این چیزی است که مطالعات فرهنگی سعی دارد از یک تقلیل گرایی محض فاصله بگیرد. چرا که؛ در مرحله ی آخر نتایجی را که از این مساله می تواند بوجود آید را تحلیل کرد.

اما از ۱۹۶۰ به خصوص به بعد، ما با مفاهیمی مواجه می شویم که اگر تا قبل از این هگل و مارکس از دیالکتیک حرف به میان می آوردند، به عبارت دیگر اگر از یک روبنا و زیربنا یا یک تز و آنتی تز حرف می زدند، هانری لوفور مفهومی را به وجود می آورد با عنوان تریالکتیک (Trialectic) این مفهوم یعنی از سه وجه در تحلیل های اجتماعی و فرهنگی استفاده کرد. لوفور آن دو وجه مطلق دیالکتیکی را می شکند و یک وجه دیگر را به درون تحلیل ها وارد می کند؛ یعنی اگر تا قبل از این با زمان و ایده مواجه بودیم، در این لحظه چیزی به این دو اضافه می شود با عنوان فضا (Sphere). این مفهوم به معنای (Space) یا (Place) نیست بلکه فضا و اتمسفر چیزی از درهم آمیزی این دو واژه هست که می توان (Sphere) را برای آن به کار برد. در این معنا هم می توان تاریخیت را داشته باشیم و هم معماری و مکان زیستن را. لذا از ۱۹۶۰ مواجه می شویم با پارادایمی که هژمونی و سلطه خودش را نه بر پایه زمان، بلکه بر پایه و اساس مکان تعریف می کند. برای همین هم هست که به طور مثال انقلاب مه ۱۹۶۸ دانشجویان فرانسه، قصد انقلابیون فتح دانشگاه هست و دانشگاه چیزی به مثابه مکان هست، چیزی به مانند عرصه عمومی هست. اگر که در انقلاب پرولتاریا به زعم مارکس، این کارگران جهان بودند که باید مسیر تاریخ و زمان را عوض می کردند ولی در این پارادایم، مکان هست که باید فتح شود. فتح سفارتخانه آمریکا در تهران توسط دانشجویان در سال ۱۹۷۹ میلادی، فروپاشی دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ میلادی، فتح میدان تیان آن من در پکن توسط دانشجویان در سال ۱۹۸۹ میلادی، و یا چندین مثال دیگر... که پارادایم دوره جدید را رقم می زند. آن چه هم که این دوره خاص را به پایان می رساند از قضا چیزی هست که مجددا با مکان و فضا ارتباط مستقیمی پیدا می کند و آن یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و حمله به برجهای دوقلو در نیویورک هست که توسط بنیادگرایان اسلامی صورت می پذیرد. در این جا چه چیزی مساله هست؛ مجددا در می یابیم که مکان و فضا هست که مورد توجه و مساله قرار می گیرد. این اتفاقی که از اواسط قرن بیستم تا اتفاق یازده سپتامبر می افتد؛ نشان و حکایتی هست از هژمونی تحلیل های فضامند و مکان مند، تحلیل هایی که خود را در عملگرایی نیروهای اجتماعی نیز می تواند مشاهده کند که چگونه همه نیروهای اجتماعی، سعی در به چنگ آوردن عرصه های عمومی و مستعمره کردن فضاهای زیستی هستند. این به چنگ آوردن فضاهای زیستی تا به آنجا به امری استراتژیک در این دوره مبدل گشت که ماجرای اسرائیل در خاورمیانه مثالی هست که می شود عرضه داشت. همه چیز به مکان و فضا منتهی شده و این دوره را می شود با تحلیل مکان مند به خوبی تفسیر نمود. این پارادایم فکری توانست روشنفکران و اندیشمندان قرن بیستم را به وجه دیگری از نظم نمادین فرهنگ و اجتماع رهنمون شود و آن اهمیت مکان و فضا در تحلیل ها بود؛ این اتفاق پارادایمی اگر که توانست همه آن نظریات جزم اندیشانه، سلب و مطلق گرایانه ی «تاریخیت مند» را که بیش از یک قرن بر اندیشه و تفکر علوم انسانی چنبره زده بود، رهایی بدهد ولی همین پارادایم هم در نهایت مبدل به خوانشی مطلق گرایانه از خود شد؛ همان رخدادی که می توان در نظریه پارادایم های علمی توماس کوهن جست. این مطلق گرایی باعث شد که فضا و مکان به امری کلیدی و حیاتی مبدل شود و نظم نمادین همه کنشهای انسانی مبتنی بر مکان مندی و فضا سامان داده شود. آن چه که بحث اصلی من در نقد تفکرات فضاگرایی محض هست این نکته هست که این پارادایم با هژمونی خودش بر همه مفاهیم دیگر، باعث می شود که همه تفاوت ها و تکثرها به کنار نهاده شوند و به گوشه ای پرت بشوند. مساله اصلی من در نقد این پارادایم دقیقا همین جا هست.

اما از سال ۲۰۰۱ تا به حال با وجهی از مطالعات تلفیقی روبه رو هستیم که پارادایم خودش را براساس مفاهیم مطالعات فرهنگی شکل داده است. مطالعات چندساحتی، مطالعات چندگانه، مطالعات متکثر و مطالعات میان رشته ای هست که می تواند به خوانشی زیبایی شناختی اقدام کند.

در اینجا با مطالعاتی روبه رو هستیم که می تواند یک تجربه زیبایی شناختی مکانمند را با یک تجربه اجتماعی زمانمند تلفیق کند.

در اینجا با نظریات جدیدی روبه رو می شویم. نظریات کسانی همچون داریوش شایگان که در کتابی به عنوان "افسون زدگی جدید، هویت چهل تکه و اندیشه سیار" که در این کتاب هم از تاریخ تحلیل هایی به دست داده می شود و هم از مطالعات فضا و مکان و معماری (جغرافیای انسانی و فرهنگی) حرف به میان می آید. یا کسان دیگری مانند دیوید هاروی و یا فردریک جیمسون هم هستند که به این تحلیل ها برای دوره جدید می پردازند. در این پارادایم با آمیزش افق ها، اندیشه سیار، تنوع زیستی، هویت های چهل تکه، تفکر چندساحتی روبه رو می شویم. اگرکه ریشه ها و خاستگاه های این ایده را می توان از اواسط قرن بیستم جستجو کنیم اما بلوغ گفتمانی این ایده های تلفیقی را از یازده سپتامبر می توانیم ببینیم.

لذا در این دوره مطالعات فرهنگی به ایده ای چنگ انداخته که اندیشمندان و پژوهشگران را به این نکته اشارت می دهد که باید به سمتی حرکت کنند که در آن نگرشهای متنوع و متکثری به جغرافیا، تاریخ، مکان، زمان و یا هرچیز دیگری داشته باشند. یکی از توانایی های خاص مطالعات فرهنگی این هست که هر چیزی را مبدل به متن (Text) می کند تا توانایی خوانش و مطالعه آن به وجود آید. هر کنش انسانی و یا هر تجربه زیستی انسان قابلیت متن شدن و خوانده شدن دارد و این چیزی هست که مطالعات فرهنگی را به عمیق و ریزترین چیزها در زندگی روزمره انسان معاصر نزدیک می کند تا بتواند آن را تحلیل کند و آن متن را بگشاید.

حال با این نگرش خاص، می توان به عمیق ترین و ژرف ترین ساحت های زیستی بافت قدیم بوشهر نزدیک شد و آن را مورد مطالعه قرار داد. بافت قدیم با خودش میراث چندین نسل را حمل می کند و متنی هست که چند لایه و متکثر و پیچیده هست و آن چیزی که می تواند به این پیچیدگی نزدیک شود، مطالعات فرهنگی هست. مطالعات فرهنگی از آن جایی که ضد-تقلیل گرا هست لذا برای مطالعه یک بافت و بستر به تمام وجوه آن توجه می کند و همه آن کدها و نشانه ها را می کاود. در اینجا من باید از تجربه ای در این گونه مطالعات فرهنگی بر روی بافت قدیم بوشهر یاد کنم که به قلم حمید موذنی با عنوان "توتالیتاریسم معماری بوشهر" نگاشته شد. که می تواند الگویی اولیه برای مطالعات فرهنگی بر روی بافت قدیم بوشهر قلمداد شود. یا مثلا در مطالعات مردم شناسانه ای که بر روی مفهوم قدرت زنانگی در مناسبات اجتماعی بافت قدیم بوشهر در حال انجام هست (توسط شیرین دهقانی؛ دانشجوی دکتری مردم شناسی فرهنگی دانشگاه پاریس)؛ این ها همه می توانند نمونه هایی باشند که می توان مورد استفاده قرار داد. متاسفانه از این گونه مطالعات بسیار کم و محدود داریم.

اغلب مطالعاتی که تا الان انجام گرفته اند وجهی تاریخی و کرونولوژیک دارند. و متاسفانه این گونه مطالعات زمانمند ما را به سمت گونه ای "فاشیسم ابدی" سوق می دهد. این ترکیب را اومبرتو اکو عرضه می کند. تفکرات فاشیستی چیزی نیست که در جایی با سرنگونی هیتلر یا موسولینی پایان یافته باشد بلکه این تفکر تداوم یافته و به جلو آمده است. به زعم من در لحظه کنونی یکی از راه های اجتناب و دوری کردن در افتادن به فاشیسم ابدی، می تواند توجه به مطالعات فرهنگی باشد. همه نهیب و هشداری که مطالعات فرهنگی می زند این نکته هست که باید از پیامدها و نتایج محتوم فاشیسم ابدی ترسید و هراسان بود.

در اینجا باید از تجربه ای در سی سال اخیر در استان بوشهر بگوییم که بنیادها و دانشنامه های مختلفی شکل گرفتند تا بیایند به طور محض به تاریخ و زمانمندی هر چیزی که در این استان هست بپردازند. این اتفاق به زعم و من کسانی که رویکرد مطالعات فرهنگی دارند، نوعی نارسیسیم و خودشیفتگی فرهنگی را در سطح استان به وجود آورد؛ این چیزی که به طور افراطی هم به وجود آمد متاسفانه باعث شد که برخوردی میان مرکز استان و پیرامون آن شکل بگیرد. دچار یک برخورد و تضاد شدید مرکز و پیرامون در استان بوشهر شدیم که تا همین الان هم ادامه دارد. من پیشنهاد می دهم که پژوهشگران به مطالعه ثانویه این کتب و پژوهش ها در یک مطالعه کلان بپردازند تا ببینند که چه مکانیسمی به لحاظ فرهنگی و اجتماعی در آن ها وجود دارد که می تواند پتانسیل عظیمی برای خودشیفتگی فرهنگی و برخوردهای فرهنگی مرکز/ پیرامون را برساخته نماید. این مطالعات علاوه بر اینکه باعث روشن شدن زوایای این مطالعات می شود، باعث می شود ما از پیامدهای ناخوشایند آن نیز که سی سال هست که دچارش هستیم نیز عبور کنیم.

در ادامه باید نهیب و هشداری هم به همه علاقمندان و دغدغه مندان به بافت قدیم بدهم که آن چه که با مطالعات زمانمند بر سر این استان و تضادهای شدید مرکز/ پیرامونی آمد، بار دیگر در ماجرای توجه بیش از حد و مبتذل به مساله مکان و فضا بر سر این استان نیاید. هر چیزی در شکل افراط گرایانه خودش این امکان را دارد که به ناهنجاری و برخورد فرهنگی مبدل شود. به زعم من این ابتذال در شکل خودشیفتگی خودش بسیار خطرناکتر از آن معضل پیشین هست. خطرناک که می گویم، به معنای واقعی کلمه قابلیت تحلیل و تفسیر دارد. مثال تفکر "داعش" را در نظر بگیرید. به جریانی که این اندیشه در پیش گرفته و می خواهد همه مکان ها و جغرافیاها را در بر بگیرد و همه فضاها را نا امن کند؛ حاکمیت ترس و هراس را در فضا و عرصه عمومی شکل دهد. این نوع تفکر چیزی جز همان افراط در توجه بیش از حد به مکان ها، فضاها، جغرافیاها و ... نیست و نخواهد بود. باید مراقب بود که توجه بیش از حد به مکان ها و فضاها می تواند ما را به درون ورطه ای بیاندازد که جهانی را به نابودی بکشانیم. از این اندیشه به طور جد باید دوری و اجتناب کرد. در پایان باید این نکته را بگویم که باید از درافتادن مطالعات بافت قدیم بوشهر چه در آن دست از مطالعات تاریخیت گرایانه محض دوری نمود و چه در افتادن به مطالعات مکانمندانه محض.

من در این سخنرانی از خطرها و پیامدهای دهشتناک این مطالعات افراطی گفتم، ما باید به سمت مطالعات متکثر، چندساحتی و میان رشته ای برویم که بتواند فضایی را شکل دهد که در آن پیچیدگی زیستی درون بافت قدیم بوشهر را درک کنیم و در نهایت به تحلیل آن بپردازیم.

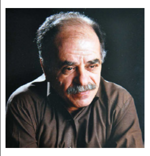


بافت قدیم با خودش میراث چندین نسل را حمل می کند و متنی هست که چند لایه و متکثر و پیچیده هست و آن چیزی که می تواند به این پیچیدگی نزدیک شود، مطالعات فرهنگی هست.
مطالعات فرهنگی از آن جایی که ضد-تقلیل گرا هست لذا برای مطالعه یک بافت و بستر به تمام وجوه آن توجه می کند و همه آن کدها و نشانه ها را می کاود

باید نهیب و هشداری هم به همه علاقمندان و دغدغه مندان به بافت قدیم بدهم که آن چه که با مطالعات زمانمند بر سر این استان و تضادهای شدید مرکز / پیرامونی آمد، بار دیگر در ماجرای توجه بیش از حد و مبتذل به مساله مکان و فضا بر سر این استان نیاید. هر چیزی در شکل افراط گرایانه خودش این امکان را دارد که به ناهنجاری و برخورد فرهنگی مبدل شود.

راپورت های مسترچیک از رویدادهای فارس و بوشهر در جنگ جهانی اول (۵۰)

حضور برخی از عناصر محرک دموکراتها در بوشهر



گزارشات هربرت چیک ویس کنسول انگلیس در بوشهر
ترجمه: افشین پرتو
منبع: دانشنامه بوشهر

پنج شنبه ۲۵ دسامبر ۱۹۱۷

وثوق الدوله در تلاش است به نوعی در این شرایط آن چه را که ایران سال ها در پی به دست آوردن آن بوده کسب کند. در ملاقاتم با دریابیگی از او شنیدم که وثوق الدوله را آدمی الکی خوش می داند. وی شاید وجهه ای لازم برای بودن در راس کارها در این زمانه نداشته باشد، ولی متاسفانه ایرانی ها عادت دارند که با تغییر هر مقامی مدتی دلشان را به عملکردهای او خوش کنند و کم کم از او ناامید شوند.

شایعه ی امکان کناره گیری احمدشاه از سلطنت و خروجش از کشور خموشی شگفت و هراس آلوده ای در رده های بالای جامعه پدیدآورده و مردم به نوعی با بی تفاوتی به آن می اندیشند. وثوق الدوله امیدوار به بودن بر سر کار حتی پس از خروج شاه از کشور دائماً با مایرلینگ در تماس است. مایرلینگ در خبرهایش از اوضاع تهران وثوق الدوله را مهره ای می داند که می توان برای مدتی از او استفاده کرد و به این بهانه گوش به خواسته های او سپرده است و برای گرواندن ایرانی ها به سیاست دولت ما مشغول برنامه ریزی برای پذیرش برخی از خواسته های کهنه شده و بی ارزش او مانند لغو قرارداد ۱۹۰۷ میان ما و روسیه و ادغام پلیس جنوب ایران در نیروی انتظامی ایران پس از پایان جنگ و پدید آوردن زمینه ی حضور ایران در کنفرانس های تصمیم گیرنده ی پس از جنگ به عنوان یک کشور مستقل است.

مایرلینگ پس از چند سال کار در ایران با روحیه ی سردمداران ایران کاملا آشناست و می توان به رفتار سیاسی او دل بست. مخالفان ما در ایران در تلاش برای برهم ریزی برنامه های ما هستند. آن ها بی هیچ پیوندی با هم به هم پیوسته اند و تحت نام دموکرات در جست وجوی یاوری برای رویارویی با ما به جلب حمایت آلمانی ها و حتی بلشویک های حاکم بر روسیه پرداخته اند. آن ها از یک سو با میرزا کوچک رابطه برقرار نموده اند و از سویی دیگر با خان های شورشی در فارس در تماس اند. خبرآورهای ما از حضور برخی از عناصر محرک دموکراتها در بوشهر خبرهایی دارند. دریابیگی در گفت وگویی که با او داشتم و در آن ملاقات خواهان کنترل این وضع بودم اعلام کرد که هنوز نشانه ای از تحریک آنها ندیده است و نمی تواند قبل از هر عمل خلاف قانونی با آنها برخورد کند.

پنج شنبه ۱۵ ژانویه ی ۱۹۱۸

بحران به دموکرات ها قدرت بخشیده و ما به این نتیجه رسیده ایم که بهتر است به نوعی با آن ها کنار بیاییم و زمینه را برای بر سر کار آمدن جناح میانه روتر آن ها فراهم کنیم. این سبب بر سر کار آمدن مستوفی الممالک در هفته ی پیش شد. یک هفته گفت وگو و بررسی سبب صدور اعلامیه ی امروز سفارت ما در تهران گشت. در این اعلامیه مایرلینگ حمایت خود را از دولت مستوفی الممالک اعلام کرده و پذیرفته قول هایی را که پیش تر به وثوق الدوله به عنوان رییس دولت ایران داده بود، به مستوفی الممالک نیز بدهد و در مقابل تهدید نموده که در صورت احساس عدم حمایت ایران از رابطه ی دوستانه ی موجود میان انگلیس و ایران، دولت انگلیس کمک های مالی وعده داده شده به ایران را قطع خواهد کرد و از ادامه ی فعالیت برای دفاع از منافع ویژه ی ایران در این مقطع زمانی خودداری خواهد کرد. بر سر کار آمدن مستوفی الممالک تا حد زیادی از تنش های موجود در فارس کاسته و فرمانفرما در انتظار اقدامات دولت جدید از تلاش برای رویارویی با صولت الدوله و همراهانش دست کشیده و صولت الدوله نیز به انتظار نتیجه ی این دگرگونی نشسته است.

خموشی تقریبی فارس، رابطه ی نه چندان گرم دولت تهران و سفارت ما، لحظه شماری مردم برای پدید آوردن یک دگرگونی ویژه، تلاش تجاری متوقف شده در مسیر بوشهر به شیراز و اصفهان را مجددا فعال ساخته و هر چند که تجار به سبب عدم اطمینان کافی به آرامش جاده ها و امنیت تجارت، چندان تمایلی به فعالیت کامل تجاری ندارند ولی کم کم تحرکی در تردد کالا دیده می شود و این بوشهر را به فعالیتی کم رنگ کشانده و شهر پس از چندی خموشی آزار دهنده مجددا فعال و با نشاط دیده می شود.

نسیم جنوب ۴
سالکوچ آتشی
شماره ۷۹۵ یکشنبه ۸ آذر ۱۳۹۴
NASIM JANOUB

شعر اسارت در جرگه ی عشاق حوزه هنری استان بوشهر

نشست کارگاه جرگه ی عشاق حوزه هنری بوشهر با خوانش شعری در رابطه با اربعین حسینی توسط فاطمه بردخونی آغاز شد. به گزارش روابط عمومی حوزه هنری استان بوشهر؛ در ابتدای این نشست که با حضور شاعر و منتقد استان دکتر رضا معتمد برگزار شد، فاطمه بردخونی قطعه شعری در رسای سالار شهیدان امام حسین(ع) و اربعین حسینی قرائت نمود و اسکندر احمدنیا مسئول کارگاه شعر حوزه هنری توضیحاتی در مورد این نوع اشعار که بیشتر به شعر اسارت معروف تر است ارائه نمود.

در ادامه نیز از شاعران کارگاه در این محفل، تازه ترین اشعار خود را که با مضامین عاشورا و اربعین بود را خوانش و مورد نقد و بررسی حاضرین قرار گرفت. پایان بخش این نشست خوانش یک غزل از مثنوی با محتوای اربعین حسینی بود که مورد توجه حاضرین قرار گرفت.

شایان ذکر است که جرگه عشاق هر هفته روزهای شنبه ساعت ۱۷ در سالن جلسات حوزه هنری بوشهر برگزار می شود.

نشست تخصصی همایش ملی سفرنامه نویسان خارجی در بوشهر

واحد آموزش و پژوهش حوزه هنری استان بوشهر نشست تخصصی همایش ملی سفرنامه نویسان خارجی در بندر بوشهر با حضور کارشناسان و صاحب نظران حوزه تاریخ، جغرافیا و ادبیات با حضور دکتر خورسند هم استانی ساکن هلند برگزار شد. عبدالحسین کنین در خصوص تاریخ ایران به ویژه بوشهر گفت: تاریخی که هم اکنون از آن سخن می گویم مربوط به دوره صفویه است، در گذشته به دلیل راه ها صعب العبور بوده اند و سفر کردن از نزدیک با آداب و رسوم، زندگی، ویژگی آب و هوا، معماری آشنا می شدند از مهم ترین و بزرگترین منابع «سفرنامه» محسوب می شود به طوری که تاریخ و جغرافیای ایران می توان گفت مدیون همین سفرنامه هاست. کنین با تاکید بر این که بوشهر نگین خلیج فارس است گفت: لازم است همایش در مورد سفرنامه نویسان خارجی در بندر بوشهر برگزار شود تا برای همگان نقش بوشهر در تاریخ شناخته شود. در ادامه دکتر نظامی رییس اسناد و کتابخانه ملی شعبه بوشهر به ایراد نظر در خصوص نقش مهم این همایش در شهر بوشهر پرداخت و در خصوص ارائه مقاله توصیفی در همایش تاکید کرد.

مسعود عرب زاده در گفتگو با روابط عمومی حوزه هنری گفت: در جلسات آینده با همکاری نهادهای فرهنگی، ارتباط فرهنگی بوشهر با کشورهای هندوستان، روسیه، چین، فرانسه و پرتغال برگزار خواهد شد.

مسئول آموزش و پژوهش حوزه هنری استان بوشهر خاطرنشان کرد، تبادلات فرهنگی و تجاری بوشهر با این کشورها از طریق جلسات هم اندیشی با حضور دانشجویان و کارشناسان بررسی خواهد شد. وی افزود: برگزاری این همایش در سال جاری به صورت ملی و بین المللی بسیاری ضروری است عرب زاده در پایان گفت: برگزاری این همایش موجب بازگشت بسیاری از سندها، عکس ها و یادداشت ها به استان بوشهر می شود.

شایان ذکر است این نشست در سالن نمایش حوزه هنری استان بوشهر علاوه بر هم فکری متخصصین در خصوص ضرورت برگزاری این همایش، کتاب «هلندی ها در خلیج فارس و بوشهر ترجمه زنده یاد حسن زنگنه نیز توسط دکتر مرصع صیادی و نقش هلند در ایران توسط دکتر غلامحسین خورسند مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

مصاحبه نسیم جنوب با سعید نوذری هنرمند و مجری صدا و سیمای بوشهر:

با هنرمندانمان هنرمندانه تر باشیم

مصاحبه از سمیرا مرادی



سعید نوذری دانش آموخته مقطع کارشناسی روابط عمومی گرایش رسانه و دانشجوی ارشد مدیریت رسانه است که تاکنون مسئولیت و پست های زیادی را در حوزه فرهنگی، هنری، فنی و اجتماعی تجربه نموده است و هم اکنون کارمند بخش روابط عمومی اداره کل محیط زیست استان بوشهر است.

کار اجرای خودش را از همان دوران کودکی در مسجد امیرالمومنین بوشهر و دبستان شروع کرده است و به واسطه قاری قرآن بودنش با موسیقی عرب آشنا و عضو گروه تواشیح مدرسه و بعد منتخب استان می شود. وی از شاگردان توانمند و با پشتکار شهید عباس نسترن در حفظ تلاوت قرآن کریم بوده است که با شرکت در جشنواره ها و دوره های خوانندگی، نوازندگی، ادبیات و حضور در گروه های تئاتر و سرود توانست به توانمندی های خود بیفزاید. حدودا ۱۹ ساله بود که با اجرای توانمندش در سالن ۲۰۰۰ نفری فجر توانست نظر لاوری مدیر کل صدا و سیمای وقت بوشهر را جلب کند. بعد از بارها رد شدن در آزمون ورودی به صداوسیما، بالاخره موفق شد به صداوسیما وارد شود؛ و تا به امروز که شاهد توانمندی ها، خلاقیت ها، سبک منحصر به فرد، اجراهای انرژیک و موفقیت های پی در پی ایشان هستیم. با اشتیاق فراوان فرصتی را در اختیارم قرار می دهند تا به محل کارشان بروم و با ایشان گفتگویی صمیمانه داشته باشم.

– مختصری درباره تولد، شغل، تحصیلات، زندگی و... بگویید؟

– من سعید نوذری، متولد زمستان ۵۹، مسئولیت ها و پست های متعددی را تا به امروز در حوزه های مختلف فرهنگی، هنری، فنی و اجتماعی به عنوان مدیر و کارشناس، تجربه نموده ام اما هم اکنون کارمند قراردادی اداره کل حفاظت محیط زیست از سال ۸۸ در روابط عمومی و نیز مجری، گزارشگر و برنامه ساز صدا و سیمای مرکز بوشهر از سال ۸۱ هستم.

– چگونه به گویندگی و مجری گری روی آوردید؟

– از دوران دبستان در صبحگاه مدرسه، دعای صبحگاهی می خواندم و قرآن تلاوت می کردم، کم کم ارتباط با مخاطب را بصورت تجربی یاد گرفتم. و در برنامه های کوچک دبستان و بعد راهنمایی اعلام برنامه می کردم. برای تلاوت بهتر قرآن کریم با موسیقی عرب آشنا شدم و بعد در گروه تواشیح مدرسه و سپس گروه منتخب استانی به فعالیت پرداختم. فعالیت همزمان در جشنواره های مختلف، خواندن دکلمه و مقاله در برنامه ها و اجراهای کوتاه مدت در محیط های صمیمانه و موازی با آن شرکت در دوره های خوانندگی، نوازندگی، ادبیات و حضور در گروهای تئاتر و سرود فرصت فعالیت و ابراز توانمندی بیشتری را برایم بوجود آورد. بی خوابی ها کشیدم و هرگز خسته نشدم، تلاش کردم برای آموختن و دیگر راه خود را پیدا کرده بودم. با توجه به توانمندی که در موسیقی فولک و کلاسیک پیدا کرده بودم، همچنین تمرین و تلاش فراوان برای اینکه بدون ابزار، خارج و فالش نخوانم، گذراندن دوره های تئاتر و بازیگری، احراز رتبه های متعدد برگزیده اول تا سومی استانی و کشوری در سرود و آهنگ های انقلابی، تک نوازی، خوانندگی، شعر، تئاتر و ... بدست آورده بودم، برای انتقال پیام بصورت روان و اثرگذار آماده تر به نظر می رسیدم.

– همه شما را به عنوان یک مجری و برنامه ساز موفق می شناسند، دلیل موفقیت خودتان را چه می دانید؟

– البته هیچکس کامل نیست و بدون شک من هم ضعف هایی دارم اما بطور کلی می توانم بگویم که آراسته بودن به چند توانمندی و هنر کلیدی و مهم، در برنامه سازی، فن اجرا، بداهه گویی، بداهه سرایی، مخاطب شناسی، تیزبینی، نکته سنجی و نهایت استفاده از ظرفیت های موجود در اجراها از جمله استیج، دکور، ابزار، مخاطب و... تا حدودی باعث تمایز اجراهای من شده است.

– چه آموزه ها یا آموزش هایی در کار و فعالیت شما نقش داشته است؟

– من از سن ۹ سالگی عضو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان بوشهر بوده ام و تقریبا همه ی کلاس های این مجموعه را با انگیزه فراوان گذرانده ام. دوره ها و آموزش های تخصصی و ساده کانون می تواند خلاقیت ذاتی افراد را شکوفا کند. یک دوره حرفه ای و بی نظیر۴ ساله زیر نظر استاد بزرگ فرهنگ و هنر کشور مرد متین، بی ادعا، افتاده و هنرمند، مرحوم «استاد وحدت» که اصالتا اهل مشهد بودند و در مقطعی ساکن بوشهر شدند، گذراندم و برای اینکه یک »چَند بُعدیِ! توانمند« باشم تربیت شدم و این دوَره ی هر چند کوتاه، نگرش مرا به مقوله هنر و فرهنگ متفاوت و به اجرای صحنه علاقه مند کرد. پس از آن دوره های مختلفی را برای تکمیل اطلاعات، تجربیات و توانمندی هایم در انجمن سینمای جوانان، آموزشگاههای آزاد سینمایی، باشگاه خبرنگاران جوان، دوره های آموزشی صدا و سیما که در تهران برگزار می شد، دوره های خصوصی و نیمه خصوصی تخصصی زیادی را در داخل و خارج از استان گذرانده ام، در این مسیر هزینه های بی چون و چرایی را با علاقه و شوق و عشق متحمل شده ام و از محضر اساتید بزرگ و قطب های هنر و فرهنگ ایران بهره مند شد ه ام.

– از بهترین الگوی زندگیتان برای ما بگویید؟

– همین جا تشکر می کنم از همه اساتیدم و همه کسانی که همواره از آنها آموخته ام، در فن اجرا از همه ی افراد توانمند ایران و جهان الگوپذیری داشته و دارم ولی در نهایت به سبک خودم اجرا می کنم.

– در مورد کار و فعالیتتان در اداره محیط زیست بگویید؟ شما دقیقاً چه کاری انجام می دهید؟

– من کارشناس روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر هستم و بسیار هم به مقوله محیط زیست علاقه مندم. (خستگی را خسته کردم، در مسیر نگرش و هدفم، سختی های فراوان کشیدم، ولی هرگز خم به ابرو نیاوردم.)

– اساتید هم استانی تان در شعر، خبر و روزنامه نگاری چه کسانی بوده اند؟

–از محضر اساتیدی همچون زنده یاد منوچهر آتشی و خلیل عمرانی، دکتر رضا معتمد، علی هوشمند، عباس قلی پور، دکتر مهدی معتمدی، و...

– اساتیدتان در تئاتر چه کسانی بوده اند؟

– در تئاتر از محضر اساتیدی همچون منصور بهرامی، علی قربانی، مرتضی فیروزی، محمد صغیری، عباس شاهپیری، احمد دهباشی، جواد صداقت و ...

– شما چطور به صداو سیما ورود پیدا کردید؟

– حدود ۱۹ سالم بود. آن روزها میکروفون بیسیمی کم بود و البته مجری های صحنه از مزیت میکروفون بیسیمی معمولا یا مطلع نبودند و یا استفاده نمی کردند. در سالن ۲۰۰۰ نفری فجر مراسمی بود که تمام صندلی ها را نشسته بودند، من با میکروفون بیسیمی می چرخیدم گاهی وسط سالن گاهی بین جمعیت و ... همه را بدنبال خود می کشاندم و توجه مخاطبینم معطوف به اجرا بود. خوب یادم هست که آقای علی صفوی و آقای سیامک ریاضی که از تصویربرداران مسلط و با تجربه صداوسیما هستند و آن روزها مثل امروز بر قله کوه قامتشان برف ننشسته بود سراغ من آمدند و گفتند در سکوی ویژه آقای لاوری مدیرکل صدا و سیمای بوشهر نشسته و کارتان دارد... همین الان برو پیش ایشان! رفتم. آقای لاوری با آرامش همیشگی از سن و سال و اسم و فامیلم پرسید و مرا خیلی تحسین کرد. در نهایت گفتند برای تست به صدا و سیما بیا... من چندین بار در آزمون ورودی صدا و تصویر شرکت کردم و قبول نشدم. (با خنده ... قابل توجه کسانی که زود مأیوس می شوند بعد از یک بار رد شدن در آزمون ها) تا بالاخره از طریق رادیو وارد صدا و سیما شدم و در برنامه «محله ما» که آن روزها آقای غلامعباس صفرپور تهیه می کردند گزارشگر شدم. کم کم خدا کمک کرد و با استفاده و شناخت بیشتر استعداد و توانمندی های فردی ام و بهره مندی از تجربیات همکاران دلسوز و کاربلدم، و در کنار آن مطالعات گسترده و پشتکار فراوان، سعی کردم فردایم با روز قبلم متفاوت و رو به جلو باشد. من خواستم و شد پس هر کس بخواهد می شود.

–اولین بار که به طور رسمی در مقابل دوربین قرار گرفتید، کی و کجا بود؟

– من از دوران راهنمایی و دبیرستان بدنبال گزارشگرها و دوربین های تلویزیونی در شهر بودم و در تمام مسابقات رادیو شرکت می کردم تا برنده شوم و بروم داخل صدا و سیما را ببینم. اولین بار سال ۸۲ بطور همزمان اگر اشتباه نکنم با گزارشگری برنامه های شبانه که الان به نام شونشینی آنتن می رود و نسیم دانش که درباره نهضت سوادآموزی بود بصورت جدی تر کار خودم را ادامه دادم. اولین اجرای تلویزیونی من برنامه خاک عشق ویژه محرم به تهیه کنندگی آقای مرتضی قائدپوری بود.

– خانواده مخالفتی با مجری شدن شما نداشتند؟

– مرحوم پدرم موافق نبود. کلاً با هنرمندی من مخالف بود. می گفت درس بخوان که برای خودت کسی بشوی. خیلی با هم حرف زدیم و بحث کردیم و کتک خوردم حتی ... ولی هرگز به ایشان بی احترامی نکردم و برای خوشحالی پدرم و احترام به ایشان دیپلم و فوق دیپلم را در رشته مکانیک موتورهای دریایی گرفتم. بعد که در رشته های مختلف برگزیده شدم و تقدیرنامه و هدیه گرفتم کم کم دیدگاهشان عوض شد.

–شما شعر هم می گویید، چند بیت از یکی از شعرهایتان را برایمان بگویید؟

– رتبه های برگزیده متعددی را در شعر استان و کشور دارم از جمله نفر اول شعر دانشجویی کشور در سال ۸۲. همه آثارم را دوست دارم. توجهتان را به یکی از غزل هایم جلب می کنم:

صبور باش خدا قسمت صنوبرهاست
خدا نشانه سبزی برای باورهاست
اگر اسیرم و اصرار می کنم که بمان
فقط بخاطر دلتنگی کبوترهاست!
برای پرزدنت بال تازه می خواهی
عروج آبی تو گرچه در همین پرهاست
پرت شمارش معکوس لحظه ها یعنی
شروع بی حسی ناگهان حسگرهاست
و پادزهر پس از مرگ تلخ سهراب و
نوید تبرئه بعد از فرود خنجرهاست
کسی به قصد سفر ایستاده می میرد.

– بیشتر، از اجرای چه برنامه هایی لذت می برید؟

– این دیدگاه من مخالفانی دارد. همان گونه که در مراسم شادی، لباس هایی با رنگ شاد می پوشیم حالمان خوش است و می خندیم در مراسم عزا و غم لباس های تیره می پوشیم و غمگینیم. درست مانند وقتی که عروسی عزیزترین کسمان است یا عزای نزدیکترین فرد به ما، خواسته یا ناخواسته حال و هوایی متفاوت داریم، در اجرای برنامه هم اینچنین است. ما مخاطبین خود را تربیت می کنیم و آنها را با خود و اهدافمان همراه. من یک مجری هستم با روحیات متفاوت و متنوع و قبل از آن یک انسان هستم. روحیه شاد دارم و غمگین. سرشار از انرژی هستم می خندم و حس خوب می دهم، من اجراهای شاد را دوست دارم و برای ارائه آن نیز توانمندم؛ همچنین اجراهای غمگین با موضوعات غم انگیز را هم دوست دارم با درونم سازگار است و از عهده شان بر می آیم مثل موضوعاتی که برایمان درونی شده و مقدس هستند، امام حسین و محرم و صفر.

–سبک خاصی در اجراهایتان دارید؟

– بله. اغلب مجری هایی که خود را «شومن» می دانند تنها «تالک من» های توانمندی هستند. من هم این جرأت را ندارم که بگویم یک شومن هستم هر چند بصورت بداهه می سرایم، می خوانم و آهنگسازی می کنم اگر لازم باشد می نوازم و بر علم و هنر اجرا در حد تلاشی که داشته ام تسلط دارم، اما به هر حال در اجرا سبک و سیاق و روش خاص سعید نوذری را دارم. و فراموش نکنیم که من یک فعال محیط زیست هستم، پس ناخواسته پرداختن به مقوله محیط زیست و حفاظت از آن جایگاه ویژه ای در مضامین اجراهایم دارد.

– اضطراب و استرس در اجراهایتان جای دارد، چگونه با آن کنار می آیید؟

– بعد از گذشت سالها اجرا دیگر چیزی که بتوان به آن استرس گفت برای من وجود ندارد ولی گاهی بنا به فردی که تهیه کننده برنامه بوده است بخاطر بعضی رفتارها یا نگرش های غیر حرفه ای کمی بهم ریخته شده ام. من همیشه برای اجراهایم با وضو هستم و همیشه قبل از آغاز برای خودم آیه هایی از قرآن تلاوت می کنم و از خداوند بزرگ کمک و نیرو می طلبم و بعد متوسل به اهلبیت می شوم و دلم آرامتر از قبل می شود.

– ظاهر آراسته و پوشیدن لباس های مرتب و شیک چقدر در اعتماد به نفس یک مجری جلوی دوربین تاثیرگذار است؟

– بسیار موثر است. بعضی از همکاران من در نهایت می بینند جز چند کمد پر از لباس و کفش چیز دیگری ندارند. شغل ما مجریان در ظاهر چیزی به نظر نمی رسد و همه شاید فکر کنند کار ساده ایست؛ اما من همیشه در کلاس های گویندگی هم به هنرجویانم می گویم که یک مجری، حکم کپسول آتش نشانی در منزل دارد. دقیقا لحظه ی آتش سوزی اهمیت و جایگاهش مشخص می شود. وقتی برای اجرای استیج من و همکارانم قیمت می دهیم معمولا با بحث و چک و چونه های فراوان برای پرداخت مواجه می شویم و موقع پرداخت هم که می رسد با مدتها تاخیر همراه با کسر مالیات و بدون سود تاخیر مبلغ به حساب ریخته می شود.

– چند سال است که به صورت حرفه ای کار اجرا انجام می دهید؟

– شاید بدون اغراق بتوانم بگویم حداقل حدود ۱۰ سال.

– به دلیل مشغله زیادی که دارید خانواده نسبت به شما اعتراض نمی کنند؟

– زندگی با فرد هنرمند ظرافت های خاص خود را می طلبد ولی خدا را شکر تا کنون مشکل خاصی نداشته ام و همسرم بسیار صبور است و به تمام معنا شرایط را درک می کند.

با ایجاد زیرساخت‌های مناسب؛

بخشی از جشنواره بین‌المللی فجر در عسلویه برگزار می‌شود



معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: در صورت ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی و هنری مورد نیاز، بخشی از جشنواره بین‌المللی فجر در عسلویه برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، علی مرادخانی در گردهمایی رؤسای استانی انجمن‌های هنرهای نمایشی کشور در عسلویه اظهار داشت: وزارت نفت و به ویژه زنگنه وزیر نفت همواره نگاه ویژه‌ای به مقوله فرهنگ و هنر دارند.

وی اضافه کرد: دنیای امروز ارتباط بین هنر و فرهنگ و صنعت یک ضرورت است و هم بخش هنر و هم بخش صنعت در این زمینه همراه هستند و باید تلاش کنیم که این همکاری‌ها و تعاملات ادامه داشته باشد.

معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به ظرفیت‌های بالای ایران در زمینه نیروی انسانی و سرمایه‌های اجتماعی در دنیا اشاره کرد و ادامه داد: نیروی انسانی در توسعه و پیشرفت نقش بسیار مهمی دارد و باید به خوبی مورد توجه باشد.

وی توسعه متوازن در مناطق صنعتی و تحقق پیوست اجتماعی و فرهنگی را مورد تاکید قرار داد و افزود: امیدواریم با همکاری مسئولان در منطقه ویژه پارس مجموعه‌های فرهنگی و هنری ایجاد شود و ما نیز در وزارت ارشاد در زمینه نرم‌افزاری همکاری‌های لازم را خواهیم داشت.

مرادخانی با اینکه توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و هنری یک ثروت فرهنگی محسوب می‌شود، بیان کرد: با ایجاد این زیرساخت‌ها می‌توانیم بخشی از برنامه‌های فرهنگی و هنری کشور را در این منطقه برگزار کنیم.

وی گفت: این مجتمع‌ها می‌تواند زمینه را برای فعالیت‌های مختلف هنری فراهم سازد و محلی برای افرادی باشد که دارای استعدادهای خوب هستند و بتوان از این استعدادها به خوبی بهره برد.

معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خاطرنشان کرد: این زیرساخت‌ها می‌تواند شرایطی را فراهم سازد که بخشی از جشنواره بین‌المللی فجر در عسلویه برگزار شود.

وی ادامه داد: ایجاد این زیرساخت‌ها می‌تواند در قالب تفاهم‌نامه‌های منعقد شده بین وزارت نفت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی محقق شود و زمینه را برای تربیت هنرمندان بزرگ در این منطقه فراهم کند.

اکران و نقد و بررسی فیلم «چله» در حوزه هنری استان بوشهر

فیلم کوتاه «چله» به نویسندگی و کارگردانی داود خیام در کانون فیلم حوزه به نمایش درآمد و مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

به گزارش روابط عمومی حوزه هنری استان بوشهر در ادامه اکران فیلم های کوتاه در حوزه هنری بوشهر فیلم چله به کارگردانی داود خیام اکران و مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

این فیلم که موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم کوتاه تهران شده است داستان مردی را روایت می کند که به مدت ۱۲ ساعت از زندان مرخصی گرفته و بیرون می آید و به کارهایی که باید انجام دهد مشغول می شود.

پس از نمایش فیلم فخریان منتقد جلسه به طرح سیر روایی فیلمنامه اشاره کرد که در این دوازده ساعت، صرفاً با وقایعِ چینشی از سوی نویسنده رو به رو هستیم و عملاً این خود کارکتر نیست که دست به انتخاب می زند. همین امر در اجرا نیز مشخص است. ردیف کردن تنها و تنها عناصر جذاب پشت سر هم و فراموش کردن آنچه که خود نیاز کارکتر است باعث شده به فیلم لطمه اساسی بزنند. از نکات دیگری که توسط حاضرین مطرح شد. صداگذاری درخشان فیلم و بازی عالی بازیگر اصلی اش بود.

در انتها فخریان افزود: فیلم به صورت چند پارت درآمده که همه در طول هستند و به دو نمای حمام یا دست کشیدن بر سر پسر اشاره که نه تامل برانگیزند و نه درام را می سازند. تنها حضور دارند چرا که با جبر درون دنیای فیلم گنجانده شده است.

شایان گفتن است اکران فیلم هر هفته روزهای سه شنبه از ساعت ۱۷ در حوزه هنری بوشهر برگزار می گردد.

آگهی تغییرات

آگهی تغییرات شرکت ایده سازان دشتستان سهامی خاص به شماره ثبت ۹۹۷۸ و شناسه ملی ۱۰۹۶۰۰۴۰۰۸۱ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای امید سعیدی به شماره ملی ۳۵۲۱۲۳۲۱۷۴ به سمت رئیس هیئت مدیره و خانم فرحناز حیدری به شماره ملی ۳۵۲۰۹۲۵۱۰۹ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای موسی حیدری به شماره ملی ۳۵۲۰۸۹۱۸۵۹ به سمت نائب رییس هیئت مدیره و مدیرعامل. - کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک- سفته و غیره با امضای آقای موسی حیدری همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی های سازمان ثبت قابل دسترس می باشد. (شماره ۲۵۹۶ م الف)

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر- مرجع ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری بوشهر

نسیم جنوب
خانواده
شماره ۷۹۵ یکشنبه ۸ آذر ۱۳۹۴
NASIM JANOUB

شاهین افشارپور، کارشناس ارشد روانشناسی در مصاحبه با نسیم جنوب:

نافرمانی طبیعی کودکان را با لجبازی اشتباه نگیریم

مصاحبه از راحله رستمی



– یکی از مشکلاتی که برخی از خانواده ها در تربیت کودکان خود با آن روبرو هستند، لجبازی کودکان است. بطور کلی کودکانی که به آنها لجباز اطلاق می شود، چه ویژگی هایی دارند؟

– نافرمانی یکی از ویژگی های دوره رشدی کودک محسوب می شود و کودکان به صورت طبیعی واجد این ویژگی هستند اما درجات و شدت آن در کودکان متفاوت است. کودکان «نه» را قبل از بله یاد می گیرند زیرا منفی کاری از ارکان مهم فرآیند منتقل شدن است. معمولا از دو سالگی نافرمانی شروع می شود و در سنین سه تا چهار سالگی به اوج خود می رسد و با ورود به مدرسه کاهش می یابد. بنابراین نباید بدون بررسی های نشانه های لازم به کودکان برچسب لجباز زد.

– نشانه ها و علایم کودکان لجباز چیست؟

– نافرمانی ادامه دار و بی توجهی به دستورات صادر شده، غذا نخورن و یا ریختن عمدی غذا، گریه کردن مداوم و جیغ کشیدن، کوبیدن پا و سر به زمین، پرتاب و شکستن اشیا، کج خلقی و منفی بافی به صورت نمی خواهم مداوم و ...

– چه عواملی باعث بروز چنین رفتارهایی در کودکان می شود؟

– همانطور که قبلا اشاره کردم در یک دوره خاص سنی نافرمانی طبیعی محسوب می شود و نباید با لجبازی اشتباه گرفته شود. ژنتیک، ضعف جسمی، خستگی و بی خوابی، بیش فعالی و کمبود توجه و یا یادگیری محیطی مانند تقلید و الگوبرداری از والدین، دخالت و کنترل بیش از حد والدین، ضعف والدین در کنترل کودک، ناهماهنگی شیوه های تربیتی در خانواده، عدم توجه به کودک به خصوص وقتی که فرزند دیگری در منزل باشد و ... از عوامل بروز این اختلال هستند. یکی از مهم ترین عوامل بروز اختلال ذکر شده تقویت این رفتار توسط والدین است که نهایتاً لجبازی به یک شیوه برای بدست آوردن خواسته های کودک تبدیل می شود.

– تفاوت خاموش سازی و تنبیه در چیست؟

– در خاموشی هیچ گونه توجهی صورت نمی گیرد. هیچ گونه واکنش کلامی مانند نکن، برو آن طرف، اگر این کار انجام ندهی و ... یا شنیداری مثل گرفتن گوشها و دیداری مثلا اخم کردن از طرف والدین صورت نمی پذیرد. گویی کودک در محیط وجود ندارد و هیچ اتفاق خاصی نیفتاده است چون کودک توجهی دریافت نمی کند به این نتیجه می رسد که تکرار این کار ارزشی ندارد. اما تنبیه ارائه یک محرک ناخوشایند به کودک پس از رفتار نامطلوب است. محروم کردن و جریمه کردن از روش های تنبیهی محسوب می شوند. تنبیه مداوم باعث ایجاد اضطراب، احساس حقارت و خود کم بینی، دروغ گویی و زورگویی می شود.



استفاده از روش های مثبت اصلاح و تغییر رفتار مانند روش تقویت رفتار ناهمساز، مؤثرترین شیوه برای برخورد با کودکان لجباز است. در صورت ناآرامی و به پا انداختن قشقرق توسط کودک از محرومیت استفاده شود.

– مناسب ترین شیوه تربیتی در مواجهه با کودکان لجباز به چه صورت است؟

– روش خاموشی به همراه تقویت رفتار ناهمساز.

– در این نوع روش تربیتی واکنش کودک چگونه خواهد بود؟

– هر وقت از کودک رفتار نامطلوبی سر می زند هیچ گونه توجهی نشان نمی دهیم. اعتراض کردن، پرخاشگری کلامی، تهدید کردن هم از سوی والدین توجه محسوب می شود. دقت کنید مطلقاً توجهی نباید صورت پذیرد اما همین که رفتار خلاف رفتار لجبازی از کودک سر زد بلافاصله باید تقویت شود. ممکن است تقویت به صورت ماده غذایی یا برچسب ستاره دار یا تشویق کلامی باشد. با توجه به ویژگی های کودک از شیوه های مختلف تقویت می توان بهره برد. مثلا کودکی که از غذاخوردن امتناع می کند و شروع به کوبیدن قاشق و چنگال به میز می کند مورد توجه قرار نمی گیرد. به محض اینکه آرام شد و اولین قاشق غذا به دهان برد از سوی والدین تشویق می شود. نکته ای که باید مد نظر داشت تشویق باید آنی باشد. تشویق فاصله دار از ارزش تقویتی آن کم می کند.

– این روش در مورد کودکانی که رفتارهای لجبازگونه خفیف دارند، صادق است؟

– این روش بیشتر در کودکانی مؤثر واقع می شود که لجبازی ضعیفی دارند. کودکانی که دارای اختلال لجبازی می باشند باید در اولین فرصت جهت بررسی های دقیق سلامت جسمانی به پزشک ارجاع داده شوند و در صورت نداشتن مشکل جسمی از مشاور یا روان شناس کمک بخواهید.

– نقش رفتار والدین در شکل گیری یا تشدید لجبازی کودک چیست؟

– محبت کردن به کودک به اندازه، عدم تبعیض بین فرزندان، تنبیه نکردن کودک، کاهش حساسیت نسبت به رفتارها، متعادل بودن در کمال گرایی، امر و نهی نکردن مداوم، توجه گسترده به همه رفتارهای کودک نه فقط رفتارهای نامطلوب، همراهی در بازی های فیزیکی در خارج از منزل (شن بازی، پرتاب حلقه و ...) می تواند در جلوگیری از بروز و تشدید لجبازی کودکان مؤثر باشد.

– کنترل شدن لجبازی کودک، چه تاثیری در آینده او خواهد گذاشت؟

– مهم ترین تأثیر کنترل لجبازی در کودک این است که در آینده احترام به نظر دیگران را یاد می گیرد و برای حقوق دیگران احترام قائل است. از طرفی کودکان امروز الگوی رفتاری برای فرزندان فردا هستند پس با تربیت صحیح فرزندان افق های روشن تری را ترسیم کنیم. تفکر منطقی، داشتن صبر و تحمل، کنترل خشم و عصبانیت، عدم مقاومت در برابر تغییر از نتایج حل مدبرانه لجبازی کودکان در آینده می باشد.

مواظب کلماتی که به کودکان می گویید، باشید

مریم عطاریان – مشاوره کودک و خانواده



والدین معمولاً آگاهی دقیقی از سطح شناختی کودک خود ندارند، آن را نادیده می گیرند و فکر نمی کنند که حرف هایشان تا چه اندازه می تواند روی روح و روان فرزندانشان اثر بگذارد. در حالی که کودک با همان سطح شناختی که در هر مرحله از رشد خود به دست می آورد، به تعبیر و تفسیر آنچه می شنود، می پردازد. در اینجا به چند موقعیت که والدین بی هیچ توجهی حرف ها یا عباراتی را به کودکان خود می گویند که تاثیر مخربی بر روحیه آن ها می گذارد، اشاره شده است.

تنبیه عاطفی نکنید!

کودک را از خودتان محروم نکنید، حتی در کلام. هرگز از جملات زیر برای کودکان استفاده نکنید: «من دیگه دوستت ندارم»، «من دیگه مامانت نیستم»، «تو دیگه بچه من نیستی»، «می ذارم از دستت می رم»، «مامان از دست تو غصه خورده، مریض شده»، «من می خوام مامان یکی دیگه بشم».

به جای این که به کودک بگویید دیگر دوستت ندارم، به طور مشخص و مصداقی به او بگویید آن کار زشت یا نادرستی که انجام دادی را دوست ندارم، چون به این دلایل اشتباه بود؛ پس دیگر نباید آن را تکرار کنی. با این روش، کودک متوجه می شود با شخصیت او مشکلی ندارید، بلکه کار اشتباه او را نمی پسندید. والدین باید دقت کنند که برای تربیت فرزند خود از مهر و عاطفه و محبتی که میان آنهاست مایه نگذارند و به اصطلاح ماجرا را احساسی نکنند، بلکه با منطقی در سطح فهم کودک نادرستی کارش را برای او توضیح دهند و درخواست خود را به طور روشن بیان کنند.

عزت نفسش را بالا ببرید

برای بردن عزت نفس کودکان، بارها و بارها از این جملات در طول روز استفاده کنید: «من مامان یا بابای تو هستم و همیشه مراقب هستم»، «من تو رو دوست دارم»، «من به تو افتخار می کنم».

سعی کنید این جملات را بدون قید و شرط به کار ببرید، نه به علت انجام کاری، یعنی اگر تنها وقتی کودک شما نمره بیست گرفت و یا اتاقش را تمیز کرد، به او بگویید دوستت دارم یا به تو افتخار می کنم، معنی اش این است که به شرط این ها من دوستت دارم و به تو افتخار می کنم، نه در هر حالتی.

غیر واقعی تعریف نکنید

«تو بهترین پسر دنیایی»، «تو حتما یه پیانیست و یا یه نقاش معروف می شی»، «تو یه پزشک ماهر و زبردست می شی.»

کودک با این جملات همیشه از خود چنین انتظاراتی خواهد داشت. بعد بزرگ می شود و می بیند از او زیباترین و با هوش تر و بهتر هم هست، در نتیجه عزت نفس او پایین می آید؛ چون همیشه از خودش انتظار بهترین را دارد و این موضوع مدام او را آزار می دهد.

تحقیرش نکنید

کودک می گوید می خواهم در آینده مهندس و یا دکتر بشوم. والدین در جواب می گویند «آره!! حتما با این درس خوندنت مهندس هم می شی! با این نمره های ریاضیت، تو دیپلمت رو بگیری ما جشن می گیریم! بیچاره اون مریض هایی که زیر دست تو باشن.» این جملات، باز دارنده انگیزه هستند و عزت نفس کودک را پایین می آورند. او مدام به این جمله ها فکر می کند و به خود می گوید که من «من هر چه قدر هم که تلاش کنم، به این ها نخواهم رسید»، پس دیگر تلاشی نمی کند. در چنین شرایطی، بهتر است بگوییم: «آره حتماً، اگر تلاش کنی، می تونی یک پزشک یا یک فوتبالیست خوب بشی.»

به او لقب ندهید

والدین قادرند هر چیزی، هر اصطلاح و یا لقب و برچسبی را از محیط برداشته، تبدیل به رفتار و بعد به عادت و سپس آرام آرام تبدیل به ارزش ها و باورهای کودک و در نهایت تبدیل به هویت او کنند.

بنابراین برچسب زدن به کودک باعث می شود شما ناخودآگاه آن لفظ را به هویت و شخصیت کودکان تبدیل کنید. مثلا والدینی که به کودک خود برچسب خجالتی، دروغگو، دزد، نق نقو یا شلخته می زنند، باعث می شوند کودک به تدریج باور کند که این گونه است و این صفت جزئی از شخصیت خود بداند. در نتیجه کودک پس از چندی باور می کند که شلخته یا دست و پا چلفتی است.

با توجه به تاثیر تکرار واژه ها و صفت ها در شکل گیری شخصیت کودکان، والدین می توانند ویژگی ها یا رفتارهای مثبت همچون سلام کردن، مسواک زدن و یا کتاب خواندن را مرحله به مرحله از محیط وارد هویت کودک کنند (تو اهل مطالعه ای، تو کتاب خوانی و ...)

خوب با هم دعوا کنید

والدین باید در هنگام بحث و مشاجره از به کار بردن جملاتی که باعث اضطراب کودک می شود، خودداری کنند. آن ها باید دقت کنند که همان طور که مجاز هستند تنها بخشی از رابطه عاشقانه خود با همسرشان را جلوی کودک نشان بدهند و بیش از آن اجازه ندارند و باید در خلوت خودشان به عشق ورزی به دور از چشم کودکانشان بپردازند، در مورد جر و بحث و دعواهایشان نیز باید به همین صورت عمل کنند. والدین مجاز نیستند اوقات خوش خود را دور از چشم کودک سپری کنند و بحث های خود را تمام قد جلوی کودک بیاورند. کودک نیازمند محیطی امن در خانه است، او نیاز دارد بتواند به والدین و صمیمت بین آن ها و خودش اطمینان کند. وقتی مادری جلوی فرزندش به همسرش می گوید: «آخر تو منو می کشی با این کارهات» و یا «از دست تو آخر دق مرگ می شم».؛ کودک همیشه اضطراب این را دارد که بابا، مامان را خواهد کشت؛ حال با یک سرماخوردگی ساده مادر، کودک دچار ترس و دلهره می شود که مامان گفته بود آخر از دست بابا می میرد؟ برای همین مریض شده و کودک در چنین شرایطی، پدر را مقصر مریضی مادر می داند. در نتیجه نه تنها اضطراب بی پایه و اساسی را تجربه می کند، بلکه رابطه او با پدرش نیز آسیب پذیر می بیند.

زود بزرگش نکنید

از جملاتی مثل «تو دیگه بزرگ شدی» ، «خانم شدی، آقا/مرد شدی»، «این کار بچه کوچولوهاست، تو دیگه بچه نیستی» استفاده نکنید، چرا که او را از دنیای کودکی، به دنیای بزرگسالی می برید و کودک دیگر از خود انتظار کودکی ندارد و این در حالی است که رفتار بزرگسالانه هم خارج از حد و توان اوست؛ بنابراین اعتماد بنفسش پایین می آید.

با کودک لجباز چه کنیم؟

حمیدرضا حسینی‌مهر

برای همه پدر و مادرها پیش آمده است که با لجبازی‌های کودکان مواجه شوند. پدیده لجبازی کودکان به ظاهر یک مقوله «اعصاب‌خوردکن» و «وقت‌گیر» برای والدین به حساب می‌آید، اما پدران و مادران با اندکی درایت می‌توانند در مواقع لجبازی کودک، او را مدیریت کرده و از حالت لجبازی خارج کنند. والدین با کمی خلاقیت و ابتکار می‌توانند بدون نگرانی و عصبانیت، راه‌حل‌های مناسبی برای برخورد با کودکان خود در زمینه‌های مختلف رفتاری پیدا کنند.

می‌توانید با استفاده از روش‌های ساده و سرگرم‌کننده، کودک لجباز خود را آرام کرده و برای دقایقی او را وادار کنید که با شما همکاری کند. به عنوان مثال در نظر بگیرید وقتی که می‌خواهید دندان‌های فرزندتان را مسواک بزنید و او دهانش را باز نمی‌کند، یا به هنگام ناخن‌گرفتن که او بی‌قراری می‌کند، یا حتی زمانی را تصور کنید که با کودک خود به پارک رفته‌اید و او حاضر نیست از وسایل بازی پارک دست بکشد و همچنان مشغول تاب‌بازی است و ممکن است این لجبازی او باعث شود که شما به محل کار یا قرارتان دیر برسید.

کودکان در سنین ۳ الی ۴ سالگی معمولاً این نوع لجبازی‌ها را دارند و کمی ناسازگاری می‌کنند. به ویژه هنگامی‌که پدر و مادرشان به طور جدی کاری را به آن‌ها امر می‌کنند، کودک مخالفت و یا به اصطلاح لجبازی می‌کند. دلیل مخالفت کودک در چنین شرایطی این است که او می‌خواهد استقلال خود را به والدین نشان بدهد.

حرف‌زدن در این مورد با کودک بی‌فایده است. به خاطر داشته باشید در چنین شرایطی برای مطیع‌کردن کودک‌تان نباید فریاد زده یا او را تهدید کنید، بلکه با کمی خلاقیت و حوصله، می‌توانید حواس فرزند خود را به کاری که مدنظر دارید جلب کنید.

هنگامی‌که قرار است پزشک آمپولی را به کودک تزریق کند یا مجبور هستید برای مدتی در صف خرید فروشگاه منتظر بمانید، با به‌کارگیری روش‌های زیر می‌توانید فکر کودک خود را به چیزهای دیگری مشغول کنید.

۱. کودک را بخندانید. خنداندن کودکان بهترین راه‌حل برای مسواک‌زدن یا دارو دادن به آن‌هاست. وقتی که آن‌ها می‌خندند نه تنها فکرشان جای دیگر مشغول نیست، بلکه دهان‌شان کاملاً باز است.

۲. خاطرات دوران کودکی خود را برای فرزندتان تعریف کنید. بهترین روش برای سرگرم‌کردن کودکی که در حس و حال لجبازی است، داستان‌گفتن است؛ حتی اگر داستان ساختگی باشد. در عین حال ما نیز می‌توانیم قدرت تخیل خود را امتحان کنیم و با گفتن داستان‌های طولانی، فرزندمان را زمان بیشتری سرگرم کنیم تا لجبازی را فراموش کند.

۳. آهنگین و موزون صحبت کنید. معمولاً وقت خوابیدن بهترین زمان برای پشت گوش انداختن خیلی چیزهاست. با لحنی موزون می‌توانید فرزندتان را به مسواک‌زدن و یا لباس خواب پوشیدن تشویق کنید. همچنین می‌توانید زمان آواز خواندن، یک یا دو کلمه را اشتباه تلفظ کنید. با این کار دقت کودک تحریک شده و حواس او به اشتباه شما جلب شده و به مسواک‌زدن ادامه می‌دهد.

۴. تغییر صدا بدهید. با تغییر دادن صدای خود برای کودکان داستان‌های جالب و هیجانی تعریف کنید؛ مانند صحبت‌کردن پیرزن بی‌دندان، صحبت‌کردن با لهجه‌های مختلف، حرف‌زدن بچه‌گانه و یا هر نوع تقلید صدایی که می‌توانید انجام دهید.

۵. به فرزند خود رازی را بگویید. اگر تا ۱۵ دقیقه دیگر وقت دکتر دارید و کودک سوار ماشین نمی‌شود، خم شده و در گوش او بگویید: من می‌خواهم یک راز خیلی مهم را برای تو بگویم. می‌خواهی آن را بشنوی؟ وقتی که او با اشاره سر تمایل خود را اعلام کرد، او را بغل کرده و چیزهای جالب و شیرین در گوشش بگویید و سپس با سرعت او را روی صندلی ماشین قرار داده و حرکت کنید.

۶. روی نکات مثبت بیشتر تأکید کنید. آیا فرزند شما از کارهایی مانند شستن دست‌هایش قبل از شام یا شامپو زدن در حمام بیزار و متنفر است؟ تعریف و تمجید کردن از یک مدل قدیمی، ترفند خوبی است. به‌عنوان مثال بگویید: هر وقت که سرت را با شامپو می‌شویی، موهایت بسیار براق و زیبا به نظر می‌رسند. وقتی که شامپو می‌زنی، موهایت آنقدر خوشبو می‌شوند که دلم می‌خواهد مدام سرت را بو کرده و ببوسم و در همین زمان شامپو را کف دستتان ریخته و آرام سر کودک خود را بشویید.

همان‌طور که بیان شد، با کمی خلاقیت و ابتکار می‌توان بدون نگرانی و عصبانیت راه‌حل‌های مناسبی برای برخورد با کودکان در زمینه‌های مختلف رفتاری پیدا کرد و به رفع مشکل پرداخت. با این روش‌های تربیتی والدین به کودکان خود بیشتر نزدیک خواهند شد و با اصول و تدابیر تربیتی مناسب، روند بهتری را برای بزرگسالی آن‌ها می‌سازند. کودکان بدون شناخت لجبازی می‌کنند و این اقتضای سن و حال و هوای آن‌هاست. اگر شما هم به‌عنوان والدین در مقابل لجبازی کودک سر ناسازگاری گذاشته و به لجبازی به تلافی رفتار کودک اقدام کنید، نه تنها از یک شیوه تربیتی غلط استفاده کرده‌اید، بلکه کودک از رفتار شما چنین استنباط خواهد کرد که والدین زورگو و مستبدی دارد و نظر و تصمیم کودک در زندگی جایگاهی ندارد و همین افکار ممکن است باعث شود که فرزند شما رفتارهای نامطلوبی را در پاسخ به زورگویی شما، چه در روزهای کودکی و چه در زمان بزرگسالی داشته باشد.

استاد دانشگاه خلیج فارس:

بین خواسته های معقول و نامعقول نوجوان تعادل ایجاد شود

یک روانشناس و استاد دانشگاه های خلیج فارس بوشهر و دانشگاه اهواز گفت: اولیا و مربیان مدارس باید با در نظر گرفتن خواسته های معقول و غیر معقول نوجوان بین این دو تعادل ایجاد کنند.

به گزارش ایرنا، یوسف دهقان در سلسله نشست های آموزشی – موضوعی با موضوع نوجوان و خانواده که با حضور اولیا دانش آموزان، مربیان مدارس و شماری از نوجوانان شهرستان بوشهر برگزار شد، افزود: در نظر گرفتن یک الگوی متعادل با توجه به نیازها و استعدادهای نوجوان و همچنین متناسب با خانواده آنان می تواند یک روش مناسب تربیتی باشد. وی یادآور شد: مقایسه کردن دانش آموزان مدارس با یکدیگر یک روش اشتباه از طرف مربیان مدارس است.

دهقان اضافه کرد: با توجه به تفاوت جو فرهنگی مدارس با هم و همچنین تفاوت فرهنگی دانش آموزان و تفاوت های خانوادگی، مربیان هرگز نباید مقایسه بین دانش آموزان و مدارس آنها را بیان کنند. وی ادامه داد: یکی از مسایلی که نوجوانان در این دوره از زندگی خود با آن مواجه



هستند، کشمکش بین استقلال داشتن و وابستگی به والدین است که بهترین رویکرد در این راستا دوست شدن والدین با فرزند نوجوان است. دهقان گفت: ترس از آینده نیز یکی از دغدغه های نوجوانان است که هرگز آن را عنوان نمی کنند که بارزترین نشانه آن فاصله گرفتن از والدین است.

وی افزود: والدین دانش آموزان و معلمان تلاش کنند همواره در برخورد با نوجوان شنونده خوبی باشند و از لحن تلخ و آمرانه با وی استفاده نکنند.

دهقان افزود: هرگز افکار نوجوان را نباید به مسخره گرفت و با عقاید وی مخالفت نشود و تا جایی که امکان دارد از نصیحت کردن مستقیم نوجوان پرهیز و از افرادی که مورد پذیرش نوجوان هستند به طور مستقیم انتقاد نشود.

وی با تاکید بر اینکه دوره نوجوانی دوره حساسی از زندگی فرد محسوب می شود،گفت: نباید به حریم شخصی نوجوان وارد شد و سعی شود در رفع اشتباه و تفهیم حقایق به وی با عجله برخورد نشود. دهقان اضافه کرد: رفتار نادرست نوجوان بیش از آنچه هست بزرگ جلوه داده نشود و از پیش بینی و آینده نگری نسبت به سرنوشت آنان پرهیز شود.

وی گفت: نوجوان بیش از دوران کودکی نیاز به محبت دارد و نباید قبل از ثابت شدن هر موضوع او را مقصر اعلام کرد و در دشوارترین شرایط توسط والدین و مربیان تلاش شود راهی برای امید و دلگرمی وی پیدا کنند. دهقان ادامه داد: والدین نسبت به فرزندان نوجوان بیش از حد حساسیت به خرج نداده و انتقاد بی رویه عامل اضطراب،کم رویی و احساس حقارت در نوجوان خواهد شد.

احتمال افسرده شدن فرزند محبوب مادران زیاد است

به گزارش بنیاد امور بیماری های خاص، محققان برای درک رابطه میان والدین و فرزندان بزرگسال شان بر روی ۷۲۵ فرزند بیش از ۳۰۹ خانواده مطالعه کردند.

مادران هر خانواده در سال آغاز مطالعه – ۲۰۰۱ – ۶۵ تا ۷۵ ساله بودند. نظرات فرزندان محبوب و مغضوب درباره تبعیض قائل شدن والدین نیز هفت سال پس از جدایی آنها از خانواده ها ثبت شد. محققان پس از بررسی درک فرزندان از غرور و افتخار، نا امیدی، روابط عاطفی با مادر و ... دریافتند، علایم و نشانه های افسردگی در فرزندانی که از لحاظ عاطفی به مادرشان نزدیک تر از خواهران و برادران شان بودند بیشتر نمایان می شود.

پژوهشگران باور دارند، افزایش مسئولیت اجتماعی فرزندانی که از مادران مسن تر نگهداری می کنند و تحمل سرزنش های آنها خطر ابتلا به افسردگی را در آنها افزایش می دهد. دکتر ژولیت استون، استاد مدرسه روان پزشکی دانشگاه کالیفرنیا و سرپرست این مطالعه گفت: فرزندان محبوب مادرانی که ناامید و افسرده هستند بیش از سایر خواهران و برادران در معرض ابتلا به افسردگی قرار دارند.

نسیم جنوب
بافت تاریخی
شماره ۷۹۵ یکشنبه ۸ آذر ۱۳۹۴
NASIM JANOUB

برگی از تاریخ بوشهر

خاندان آل مذکور در بوشهر

حضور قدرتمند نادرشاه در خلیج فارس که در تصمیم وی به تأسیس ناوگان دریایی ایران تجلی می یافت، موجب گسترش امنیت در کرانه های خلیج فارس و در نتیجه مهاجرت گروهها و قبایل عرب از کرانه های جنوبی به سمت کرانه های شمالی آن گردید، تا جایی که بعضی از این گروهها داوطلبانه، به خدمت ناوگان دریایی نادرشاه درآمدند.
خاندان آل مذکور که از قبایل عرب تابع دولت ایران بودند و با عنوان کلی اعراب مطاریش (مکاریش) شناخته می شدند، در عمان ساکن بودند و به شغل ماهیگیری اشتغال داشتند و در اوایل قرن دوازدهم هجری قمری از عمان به کرانه های شمالی خلیج فارس مهاجرت کرده، در اطراف بندر بوشهر کنونی ساکن شدند.



بعضی مورخان مانند فسایی معتقدند که این قبیله در سال ۱۱۵۰ ق/۱۷۳۸ م، از ری شهر به بوشهر آمده اند اما ولیستید معتقد است که عربهای بوشهر از ابوظبی فعلی به این بندر مهاجرت کرده اند. شیخ ناصر خان بوشهری، پسر شیخ مذکور ابومهیری ناخداباشی و فرمانده کشتی های نادرشاه افشار در خلیج فارس، شیخ ناصر به دستور نادرشاه نقشه ی شهر بوشهر را در ۱۱۵۰ ق طراحی کرد. با توجه به شکل جغرافیایی بوشهر که در شبه جزیره ای مثلثی شکل و رأس و قاعده آن شمال جنوبی است، در جانب جنوبی شهر یعنی فاصله بین دو دریا حصاری کشید، چنان که سه طرف شهر را دریا و یک طرف را دیوار در احاطه داشت. دیوار دارای دو دروازه و دروازه برج بود. در قسمت شرقی دیوار ساختمان چهار برج یا برج بحری قرار داشت که محل دارالحکومه بوشهر بود.
بعدها محل دارالحکومه به ساختمان امیریه حکومتی (شهرداری سابق) منتقل شد.
«وفات شیخ ناصر ابوشهری در سال ۱۲۰۳ ق روی داد». با طراحی شهر بوشهر، در ۱۱۵۰ ق رونق و آبادی ریشهر به بندر بوشهر منتقل شد.

باغ موزه مشاهیر بوشهر در عمارت تنگستانی ایجاد می‌شود

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: عمارت تنگستانی در بوشهر با ۲ هکتار وسعت در بهترین موقعیت جغرافیایی قرار دارد که با فراهم شدن اعتبارات لازم به باغ موزه مشاهیر تبدیل می‌شود.
به گزارش خبرگزاری تسنیم از بوشهر، محمدابراهیم فروزانی در بازدید استاندار بوشهر از عمارت تنگستانی با بیان اینکه این ساختمان دارای ۱۵۰ سال قدمت است اظهار داشت: عمارت تنگستانی دارای ۲۰ هزار متر مربع مساحت است که وارثان این عمارت یک دهم آن به اداره کل میراث فرهنگی بوشهر اهدا کرده‌اند.
مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر با اشاره به اینکه عمارت و باغ تاریخی تنگستانی در منطقه بهمنی بوشهر قرار دارد افزود: با توجه به ویژگی‌های این باغ و ساختمان آن می‌توان آن را به باغ موزه مشاهیر استان بوشهر تبدیل کرد که در این راستا نیاز به تامین اعتبار است.
فروزانی مصالح به کار رفته در ساختمان تنگستانی را سنگ‌های مرجانی دانست و گفت: در این ساختمان ملاط گچ و ساروج به کار رفته و پوشش سقف آن از چوب چندل است.
مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر با بیان اینکه استان بوشهر دارای پیشینه تاریخی مهم و درخشانی است گفت: برنامه توسعه استان بوشهر بر محور گردشگری است که در این استان چند دهکده گردشگری تصویب شده است.
وی با اشاره به اینکه استان بوشهر یک استان گردشگرپذیر و توریستی است خاطرنشان کرد: این استان با داشتن قابلیت‌های مهم گردشگری دارای جاذبه‌های منحصر بفرد در زمینه‌های گوناگون است که این مهم سبب حضور هزاران نفر گردشگر از اقصی نقاط به بوشهر می‌شود.
فروزانی افزود: با برنامه‌ریزی انجام شده امسال زیرساخت‌های لازم برای رفاه گردشگران در نقاط مختلف استان به ویژه نقاط ساحلی فراهم شده است.



قلعه ی نصوری سیراف، قطب گردشگری



فراز غلامزاده

«قلعه ی نصوری» بر روی تپه ای مشرف به دریا و به دستور شیخ جبار دوم در سال ۱۲۲۴ ه.ق در بندر سیراف (طاهری) که امروزه از توابع شهرستان کنگان است، ساخته شد. در تکمیل، توسعه و نگهداری بنا، شیخ حاتم دوم و حاتم سوم، و بعد از آنها شیخ ناصر و شیخ جبار نقش داشته اند.
قلعه دو حیاط (بیرونی و اندرونی) دارد. در هر دو حیاط اتاق ها در چهار جهت حیاط و در دو طبقه (همکف- اول) ساخته شده و از آنها به عنوان اتاق شاه نشین، اتاق نشیمن، تالار، آشپزخانه، خزینه، اصطبل و اتاق خدمه و نگهبانان استفاده می شده است (نقشه های شماره ی ۱۶-۳ و ۱۷-۳). در جنوب شرقی حیاط بیرونی، اتاق های تابستان نشین که در سه طبقه بنا شده اند. قرار دارند. در همان قسمت و در خارج قلعه، فضایی «U» شکل، شامل چند اتاق تو در تو، برای اقامت مسافران و رهگذران وجود داشته است. در ضلع شرقی طبقه سوم حیاط بیرونی و بر بالای پنجره ای که به سمت ساحل دریا است، دو بیت شعر زیر نوشته شده است:

امروز تویی امیر و سرور
پاینده سرای بوم و جمشید
بر فرق امیر سایه گستر
تا بنده لوای شیر و خورشید

و در کنار آن گچبری، نقش برجسته ای از ناصرالدین شاه قاجار خودنمایی می کند. گچبری های نوآورانه و خلاقانه ی هنرمند گچبر، استاد علی اصغر شیرازی در طبقه ی اول طارمه (ایوان) غربی حیاط بیرونی به کار رفته است. در این ایوان هیجده صحنه از شاهنامه فردوسی به صورت گچبری برجسته بر سطوح دیوارها، ستون ها، طاقچه ها کار شده که در اثر گذشت زمان و عوامل طبیعی و انسانی بیشترشان از بین رفته است. چهار ستونی که در طارمه ی مشرف به حیاط بیرونی قرار دارد، با نقوش هندسی برجسته، مقرنس بندی گچی و گل های هشت پر مزین شده اند. در چهار جهت ایوان و در محل اتصال دیوار به سقف، گلدان های پر از گل که در طرفین آنها دو فرشته ی بالدار قرار دارد، مشاهده می شوند. در طارمه (ایوان) غربی حیاط بیرونی، قوس های نیم دایره بالای بازشوها و طاقچه ها با تکرار نقوش گل و برگ تزئین شده و همچنین در حد فاصل میان طاقچه ها تا کف طارمه، با حالت دادن به گچ، به فرم آجرنما بر روی دیوارها کار شده است. تزئینات گچبری، در اتاق پایین بادگیر و به دور ستون های تالار حیاط اندرونی نیز به کار رفته و در بعضی اتاق ها، خطوط هندسی منظم به صورت نواری در چهار طرف اتاق دیده می شود.
ده قوس تزئینی و باربر شامل: «تخت»، «نیم دایره»، «کِلیل سه مرکز پاتوپا»، «خنچه پوش تخت»، «خنچه پوَش دو گلویی»، «کنگره دار دالبری»، «تیز کنگره ای دالبر»، «تیز دایره» (ابرو)، «پنج و هفت تند»، و «ترکیبی از دو قوس تیز دایره و دالبر منظم» در فضاهای مختلف مانند بادگیر، بالای بازشوها، طاقچه ها و بخاری های دیواری، میان ستون های طارمه ها، بین ستون های تالار حیاط اندرونی و در بعضی از قسمت های ساختمان می توان مشاهده نمود. در حیاط اندرونی یک بادگیر چهار طرفه به ارتفاع حدود نه متر وجود دارد و در پشت بادگیر و برای حفاظت از سازه ی آن، ستونی با سنگ و گچ ساخته شده است. در اتاق پایین بادگیر، حوضی مستطیل شکل وجود داشته که آب آن به وسیله ی کانالی که به یک حلقه چاه آب در خارج قلعه متصل بوده، تأمین می شده و هوای گرمی که از بادگیر پایین می آمده پس از تماس با آب داخل حوض موجب خنک شدن فضای اتاق می شده است. برای تأمین امنیت در ضلع شمال غربی حیاط اندرونی برجی دایره شکل در دو طبقه ساخته شده است. برای رفتن به قسمت انتهای برج از پشت بام اتاق های طبقه ی اول استفاده می شود. دو اصطبل در دو طرف شرق و غرب حیاط بیرونی وجود دارد. اصطبل غربی، بزرگ تر از اصطبل شرقی است و در وسط آن سکویی برای استراحت مهتران در نظر گرفته شده است. در ضلع جنوب شرقی حیاط بیرونی و در زیر فضای راه پله، در گذشته اتاقی برای زندانی کردن افراد گناهکار بوده است. دو حلقه چاه آب، یکی در حیاط اندرونی و دیگری در خارج بنا قرار دارد. ارتباط طبقات با یکدیگر، با چهار نوع راه پله «خطی مستقیم»، «یک دوم در گردش»، «یک چهارم در گردش» و «راه پله ی اِل شکل» انجام می شده است. سقف اتاق ها و طارمه ها با تیرهای چندل و سنگ و گچ به صورت طاق و قوس پوشانده شده و کف آنها با اندود گچ، فرش شده است. قلعه یک دروازه ی ورود و خروج در سمت جنوب دارد. این درِ تخته ای بزرگ حیاط بیرونی را به خارج متصل میَ سازد و در دو طرف آن دو اتاق برای کنترل رفت و آمد افراد قرار دارد. بر سر در ورودی دروازه، کتیبه ای سنگی نصب بوده که بر روی آن شعر زیر نقش شده است:

باعث تعمیر این حصن رفیع پایدار
شیخ حاتم خان ثانی شد، بعون کردگار
قد سروش در میان دوحه آل نصور
شد نمایان جلوه گر با عز و تمکین و وقار
کوکب سعدش طلوع از مشرق امید کرد
بخت را یاری نمودش، با رضای هشت و چهار
بهر تاریخش، عزیز، این مصرع آخر بگفت
چون دری در نزد مردم پر بها و نامدار

این کتیبه در هنگام خاک برداری و مرمت قلعه از زیر خاک بیرون آورده شد و هم اکنون در موزه محلی سیراف نگهداری می شود.
باغی که به «باغ شیخ» معروف است در فاصله ی سه کیلومتری جنوب غربی قلعه قرار دارد. در این باغ که به وسیله ی شیخ حاتم دوم ساخته شده است. انواع درختان نخل، لیمو، انجیر، انار، کنار غرس شده بود. محدوده ی باغ با دیوارکشی مشخص شده و برای آبیاری درختان از سه رشته قنات استفاده می شد. درخت تمر بزرگی نیز در باغ دیده می شود که قدمت بسیاری دارد و در جلوی آن حوضی بزرگ قرار دارد که آب آن از طریق کانالی که به دو چاه آب متصل بوده، تأمین می شده است. بر روی تپه ای که مشرف به باغ و ساحل دریاست، بنای قلعه ای کوچک شامل یک برج و چهار اتاق دیده می شود. این ساختمان برای محافظت و نگهداری از باغ ساخته شده است. قلعه ی نصوری در ۲۵ اسفند ۱۳۷۹ ه.ش به شماره ی ۳۵۱۳ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است.
دکتر غلامرضا معصومی در کتاب سیراف (بندر طاهری) در مورد این ساختمان چنین نوشته است: «این قلعه در کنار جاده بر روی تپه ای بلند و مشرف به دریا، سمت غرب بندر طاهری بنا شده است. این قلعه را پدربزرگ آقای شیخ ناصر نصوری (یکی از مالکین این بندر) بنا کرده است و مربوط به اوائل دوره قاجاریه است. این قلعه هم مانند بناهای دیگر عهد قاجار دو حیاط اندرونی و بیرونی دارد و یک شاه نشین بالای همه ی اتاق ها قرار گرفته است. چهار ستون زیبای سنگی و گچبری های داخلی ایوان غربی حیاط بیرونی این قلعه دارای ارزش تاریخی و هنری است. این ایوان فقط یک راه به پشت بام دارد و آن هم به وسیله ی چند پله و یک در چوبی است که ابتدای راه ورودی کار گذاشته شده است. از حیاط بیرونی که این ایوان در آنجا قرار گرفته است راهی به ایوان و یا اتاق هایی که از این ایوان جدا می شوند وجود ندارد و هر کس که می خواهد به این ایوان بیاید باید ابتدا به پشت بام برود و سپس به وسیله ی پله های بلند سنگی از پشت بام به این ایوان بیاید. دری که یگانه در ورودی و ارتباطی این ایوان و اتاق های دیگر آن با بیرون از این محوطه است یک در کوتاه چوبی است که به پشت بام باز می شود. این ایوان به وسیله ی پنج دِر دیگر به اتاق های دیگر متصل و مرتبط است و گچبرِی های زیبایی بین این درها در دو ردیف انجام گرفته است. همچنین دور تا دور دیواره ی فوقانی که خارج از دسترس است و تا سقف ایوان می رسد، گچبری های زیبایی دارد. این گچبری ها که به وسیله ی استاد علی اصغر شیرازی و به امر شیخ جبار جد شیخ ناصر نصورِی در حدود ۱۷۰ سال پیش انجام گرفته است. غالباً نقش درختان و شاخ و برگ و گلدان های زیبا و فرشتگان را در کنار هم نشان می دهد. فرشتگان زیادی با نقش پرندگانی چون هدهد، طوطی و طاووس همراه خطوط هندسی تزئینی در این اثر هنری پدید آمده است».
دکتر سید جعفر حمیدی نیز در مورد قلعه ی نصوری نوشته است: «از همه مهمتر بقایای قلعه یا در حقیقت خانه ی شیخ حاتم نصوری است که در سال ۱۲۲۴ ه.ق توسط شیخ جبار دوم، فرزند شیخ محمد که حکومت کنگان و طاهری و اطراف آنها را در دست داشت، بنیان گذاری شد و بعداً توسط پسرش شیخ حاتم دوم و نوه اش شیخ حاتم سوم به اتمام رسید و تکمیل شد. این قلعه مشرف بر دریا است و در سه طبقه بنا شده است. دارای دو حیاط بیرونی و اندرونی است. یک سالن بزرگ یا شاه نشین در بالاترین طبقه دارد که به طرز زیبایی گچبری شده و متأسفانه مقادیر زیادی از آن بنا و گچبری ها از بین رفته اند. این گچبری ها توسط یک هنرمند شیرازی به نام استاد علی اصغر در زمان جبار و حاتم نصوری صورت گرفته است که نقش درخت با شاخ و برگ، گلدان، فرشته و پرندگانی مثل هدهد، طوطی و طاووس در این گچبری ها دیده می شود. هیجده مجلس از مجالس شاهنامه نیز در این گچبری ها دیده می شود. این قلعه می تواند پس از مرمت یک قطب گردشگری مهم باشد».

میگلی نژاد در جلسه انجمن های میراث فرهنگی :

شهرداری بوشهر برای احیای بافت فرهنگی و تاریخی، برنامه های جدی دارد



شهردار بوشهر با شرکت در جلسه انجمن های مردم نهاد میراث فرهنگی در فرمانداری، بر عزم شهرداری بوشهر برای اجرای برنامه های احیای بافت تاکید کرد.
در این جلسه که به ریاست فرماندار بوشهر تشکیل شد شهردار بوشهر، از نزدیک با مسایل و مشکلات میراث فرهنگی آشنا شد.
به گزارش روابط عمومی شهرداری بوشهر، در این جلسه که با حضور فعالین و سمن های حوزه میراث فرهنگی، معاون سیاسی و امنیتی فرماندار برگزار شد، نماینده سمن ها به بیان دیدگاههای خود درباره احیای بافت فرهنگی تاریخی شهر بوشهر پرداختند.
شهردار بوشهر با تاکید بر نگاه ویژه شهرداری بر احیای بافت فرهنگی تاریخی شهر بوشهر اظهار داشت: اعتقاد داریم که بافت تاریخی فرهنگی شهر بوشهر ظرفیت بالایی برای رونق بخشی به شرایط امروز توریستی و اقتصادی مرکز استان دارد.
غلامعلی میگلی نژاد با تاکید بر برنامه های شهرداری بوشهر برای تقویت شهرداری حوزه بافت تصریح کرد: برای توزیع متوازن خدمات شهری در حوزه بافت تاریخی فرهنگی شهر بوشهر برنامه های خوبی در دست داریم.
شهردار بوشهر با تاکید بر اینکه احیا و باز زنده سازی بافت تاریخی با حضور شهروندان علاقمند تسریع می شود افزود: جمعیتهای مردم نهاد در کنار شهرداری نقش اصلی را برای زنده سازی عمارتها و محلات دارند که تلاشهای شهرداری بدون حضور و اقدامات و زندگی شهروندان و مردم علاقمند در بافت تاریخی بوشهر بی نتیجه خواهد بود.
میگلی نژاد با اشاره به پروژه های شهرداری برای تقویت سیما و منظر بافت فرهنگی و تاریخی بوشهر افزود: با اجرای پروژه سنگفرش کوی بهبهانی از منابع داخلی تلاش در آغاز پروژه های اختصاصی در بافت داریم.
شهردار بوشهر با مطرح کردن این مطلب که رفع مشکلات بافت نیاز به مشارکت دستگاهها و ارگانهای مختلف است تصریح کرد: شهرداری با ارایه خدمات مختلف به شهروندان در بافت و همچنین اجرای پروژه های متناسب با توان مالی شهرداری تلاش می کند که نقش خود را ایفا نماید.
در این جلسه فرماندار شهرستان بوشهر نیز تاکید کرد: زمینه مشارکت مردم در حفظ آثار تاریخی و میراث فرهنگی فراهم شود، سمن ها و تشکل های خصوصی که دغدغه میراث فرهنگی را دارند مورد مشورت قرار بگیرند و با همفکری جوانان خوش فکر و فعال در این عرصه راهکارهای مناسب و عملی بکار گرفته شود.

بافت قدیم بوشهر

بافت قدیم بوشهر، از دید مکانی و جغرافیایی در نوک شمالی شبه جزیره بوشهر نمود یافته و از سه جهت شمال، شرق و غرب در کنار دریا واقع می باشد. شهر بوشهر در راس شبه جزیره مثلثی شکل و در محدوده بافت قدیمی خود دارای چهار محله مرکزی کوتی، بهبهانی، شنبدی و دهدشتی است و در حاشیه خلیج فارس و حومه دارای حدود ۳۰ محله می باشد. بافت تاریخی بوشهر ۳۸ هکتار مساحت و حدود ۹۰۰ بنا دارد که قدمت آن به دوره ی حکومت نادرشاه افشار برمی گردد که در آن هنگام با تاسیس پایگاه دریایی نادرشاه در خور



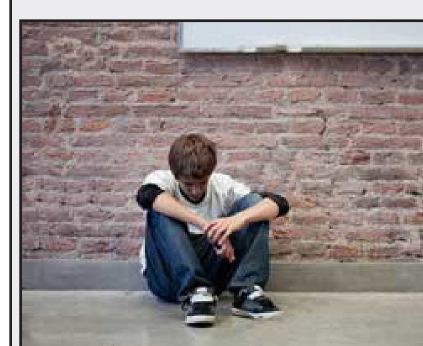
شرقی بوشهر موسوم به خور نادری بندر بوشهر از یک روستای کوچک ماهیگیری به یک بندر مهم تبدیل و از آن تاریخ رونق و آبادانی آن ادامه یافت. اوج شکوفایی این بافت مربوط به دوره قاجار است و شهر بوشهر دروازه ورود ملل مختلف به ایران بوده است.
به طور کلی تا حدود سال ۱۳۳۵، بندر بوشهر منحصر به محدوده ی بافت قدیم و مهمترین و بیشترین کارکردهای شهری برای تضمین حیات ساکنین در آن جا متمرکز بود اما در پی تغییرات و تحولات شهرسازی بافت ارگانیک شهر دچار ضربه های شدید کالبدی، اقتصادی و عملکردی شد که برجسته ترین شهود آن، کشیدن خیابان انقلاب از وسط بافت و تقسیم آن به دو تکه ی شرقی و غربی است.

جوانان
شماره ۷۹۵ یکشنبه ۸ آذر ۱۳۹۴
NASIM JANOUB

حمایت از جوانان را جدی بگیریم

محمود شهابی

گزینه‌های فراغتی بخش بزرگی از زندگی جوانان را تشکیل می‌دهد و اگر این گزینه‌ها تقویت شود، گرایش به سبک‌های منحرفانه کمتر خواهد شد.
حق انتخاب در سبک زندگی مستقر است و با دستورالعمل و بخشنامه نمی‌توان در این زمینه کاری از پیش برد، بنابراین تنها راه‌حل درونی‌کردن هنجارها و ارزش‌هاست که این امر نیز با کاهش فشارهای اقتصادی و افزایش نقش مداخله خانواده‌ها در تربیت فرزندان تحقق می‌یابد.
جوانان از قشرهای مختلفی تشکیل شده‌اند و اولویت‌های گوناگونی دارند، اما آنچه مسلم است اکثریت آنها جوانی خود را در الگوی جوانی پررنج به سر می‌برند و هر چه این دوره گذار جوانی طولانی‌تر شود، پیامدهای ناگوارتری خواهد داشت و پیش‌بینی ما طولانی‌تر شدن این دوره است.
مسئله مهم این است که آیا جوانان دچار بیگانگی سیاسی شده‌اند و میزان اعتماد اجتماعی و سیاسی آنها چگونه است؟ آیا این مسائل باعث افسردگی و ناامیدی جوانان شده است؟ اینها مواردی است که مسئولان ذی‌ربط باید آنها را بررسی کنند تا بتوانند در حوزه جوانان به خوبی تصمیم‌گیری کنند.
جوانان در تمام دنیا یا توسط دولت‌های رفاه یا به وسیله خانواده‌ها مورد حمایت واقع می‌شوند



و دست‌اندرکاران حوزه جوانان باید به این نکته توجه کنند که جوانان تا چه اندازه امروزه در حوزه‌های کار، تحصیل، ازدواج، مسکن و بهداشت مورد حمایت‌های دولت و خانواده‌ها هستند. قطعا امروزه جوانان از این دو منبع دچار مشکل هستند که روی شهروندی تمام عیار جوانان تاثیر بسزایی خواهد گذاشت.
شهروندی تمام عیار به عنوان یک حق اساسی برای جوانان ما، به این معناست که افراد در زمان مناسب توان رفع نیازهای خود را داشته باشند و این‌گونه نباشد که یک فرد در ۵۰ سالگی یکی از مشکلاتش چون مسکن حل شود.
در این شرایط با افزایش نرخ جرم و انحرافات و آسیب‌های اجتماعی که جوانان یا نقش فعال در آن دارند یا قربانی‌اند روبه‌رو خواهیم شد.
این آسیب‌ها یا به شکل فعال پرخاشگری و خشونت یا به شکل منفعلانه در اشکال افسردگی و خودکشی یا مهاجرت خود را نشان خواهد داد.
جوانان برای پاسخ به تناقض‌هایی که در زندگی دارند با گرایش به سمت خرده‌فرهنگ‌ها و زاویه گرفتن از گفتمان مثلث به دنبال راه‌حل‌های فردی می‌روند.

مصاحبه نسیم جنوب با جوان موفق بوشهری سیده سوده مهیمنیان پور:

استعداد جوانان با پشتکار مداوم و انگیزه جدی شکوفا می شود

مصاحبه از طاهره مبارکی

– برای شروع مصاحبه چند سطر درباره خود و موفقیتی که در عرصه علمی و اجتماعی بدست آوردید بگویید؟
– سیده سوده مهیمنیان پور هستم. متولد ۱۳۷۲/۷/۳ در بوشهر و فارغ التحصیل رشته گرافیک از هنرستان رازی هستم و در حال حاضر دانش آموخته رشته ارتباط تصویری (گرافیک) در دانشگاه پیام نور بوشهر می باشم. در سال سوم دبیرستان موفق به کسب رتبه سوم در مسابقه علمی و عملی در شهرستان بوشهر شدم و در آذرماه ۹۱ موفق به کسب رتبه سوم کشوری در جشنواره خوارزمی شدم.
– درباره تحصیلات خود بگویید. کجا دوره ابتدایی تا دیپلم را گذرانده اید و وضعیت درسی شما در آن دوران چگونه بود؟
– دوره ابتدایی و دیپلم را در شهرستان بوشهر گذرانده ام و در طول دوران تحصیلم همیشه موفق بودم.
– معلمان آن دوره در شکل گیری شخصیت شما چه قدر تاثیرگذار بوده اند؟
– کمک ها و راهنمایی های معلم هایم خصوصا در دوره های راهنمایی و هنرستان تاثیر بسزایی در کسب موفقیت من داشته است و همیشه تشویق سرکار خانم ترکزاده و حمایت های ایشان باعث ایجاد انگیزه بیشتر و دلگرمی در من بوده است.
– در مجموع دوران مدرسه را در پرورش وخلاقیت و نوآوری دانش آموزان چگونه می بینید؟
– بدیهی است دوران تحصیل مدرسه برای هر دانش آموز می تواند جایی برای پرورش و شکوفایی استعدادها و توانایی ها و خلاقیت او باشد که با هدایت صحیح این توانایی ها در مسیر درست، می توان در راه درست و مناسب برای کسب موفقیت گام برداشت.
– چه مواردی را می توان در سالهای دانش آموزی پیشنهاد دهید تا به پرورش روحیه و خلاقیت آنان کمک کند؟
– حمایت معلم ها و اولیای دانش آموزان از آن ها در زمینه های هنری و علمی توجه به استعدادها و توانایی آنها، تشویق و ایجاد انگیزه برای دانش آموزان، فراهم کردن امکانات مورد نیاز آنها تا حد امکان.
– آیا شما با این نظر موافقید که نوع دروس کتب و شیوه ی تدریس در آموزش و پرورش روحیه خلاقیت و نوآوری را در دانش آموزان از بین می برد؟
– خیر، البته با روش های صحیح کمک آموزش و هنری نیز می توان محتوای کتابهای درسی را به شیوه بهتر آموزش داد.
– درباره تحصیلات دانشگاهی خود بگویید در چه رشته و در چه سالی وارد دانشگاه شدید؟
– از سال ۱۳۹۲ در رشته ارتباط تصویری (گرافیک) در دانشگاه پیام نور بوشهر مشغول به تحصیل شدم.
– برای موفقیت در کنکور چه فعالیت ویژه ای انجام دادید؟
– مطالعه مستمر و منظم منابع درسی، شرکت در آزمون های کمکی آمادگی برای کنکور.
– اولویت اول انتخاب رشته کنکور شما چه بود و آیا در رشته ای که قبول شدید شناخت و یا علاقه ای داشتید؟
– اولویتم رشته گرافیک بوده و این رشته را کاملا بر اساس علاقه و توانایی و استعداد خودم انتخاب کردم.
– در زمان مدرسه دوست داشتید چه آینده ی علمی و شغلی را در بزرگسالی داشته باشید؟
– دوست داشتم گرافیست و یا تصویرگر کتاب و مجله کودک شوم.
– انتقاد کنونی بر دانشگاهها این است که محیط علمی آن از آنچه مورد نیاز جامعه است فاصله داشته و حتی با آن بیگانه است نظر شما چیست؟
– تا حدودی موافقم، البته در رشته هایی مثل رشته هنری این تفاوت کمتر احساس می شود چون کار های عملی رشته های هنر پس از فارغ التحصیل هم می تواند برای اشتغال کارآمد باشد ولی این تفاوت در رشته های دیگر مثل علوم پایه و ... دیده می شود.
– چه پیشنهادی برای اساتید در جهت تقویت بنیه علمی دانشجویان دارید؟
– از علم و هنر روز دنیا در آموزش عالی استفاده کنند.
– در مورد طرحی که در جشنواره خوارزمی ارائه دادید توضیحی بدهید؟
– عنوان طرح؛ تصویر سه بعدی بود که شامل حجم های سه بعدی سنگی است و سعی کردم با توجه به شرایط اقلیم محیط زندگیم (بوشهر) و استفاده از سنگ های شکل دار و رنگین ساحل دریا به خلق تصاویر سه بعدی پرداخته شود. در واقع این تصاویر شامل عناصر و موجودات بومی و سنتی است که در جنوب دیده می شود و برای تصویرسازی کتاب کودک، به کارگیری نمادین برای لابی هتل های سنتی بوشهر و برای گرافیک محیطی جاهایی نظیر میادین و مجسمه های شهری مورد استفاده دارد.
– در چه سالی در جشنواره شرکت کردید و مشوق اصلی شما در این امر چه کسی یا کسانی بودند؟
– در سال ۱۳۹۱، مشوق اصلی خانواده و اساتید بخصوص سرکار خانم آذر ترک زاده که استاد راهنمای من بودند.
– در جشنواره چه جوایزی به برندگان اهداء می شود؟
– وجه نقد، تندیس جشنواره، لوح افتخار.
– برای موفقیت علمی جوانان در جامعه چه پیش نیازهایی باید فراهم شود؟
– ایجاد امکانات مناسب علمی و هنری، وجود فرهنگسراها و مراکز تحقیقی، کتابخانه ها، حمایت دانشگاه ها و بعضی ارگان های دولتی مانند اداره های ارشاد اسلامی و استاندار، برگزاری نمایشگاه های مختلف، سمینارها...
– به نظر شما مهمترین مشکل و یا مشکلات در مقابل موفقیت جوانان در حال حاضر چیست؟
– بی انگیزه بودن بعضی جوانان برای ادامه تحصیل که بیشتر هم ناشی از بی اعتمادی به آینده و عدم اطمینان برای ورود به بازار کار می باشد.
– نقش خانواده در پیشرفت جوانان چه می تواند باشد؟
– مسلما نقش کلیدی دارد. خانواده باید فرزند خود و استعدادهایش را به درستی بشناسد تا حد ممکن امکانات لازم را فراهم کند و فرزند را از حمایت و تشویق دریغ ننماید.



– شما خودتان به عنوان یک جوان موفق، چه کمکی می توانید به برای قدم برداشتن در راه موفقیت کنید؟
– تجربه های شخصی خودم را به نوجوانان و جوانان انتقال می دهم تا در کارشان پیشرفت کنند.
– آیا در آینده شغلی هم از رشته دانشگاهی خود الهام می گیرید؟
– بله، بطور قطع.
– در شرایط کنونی و با توجه به دلمشغولی ها و فعالیت های علمی و اجتماعی جوانان، آینده را چگونه می بینید؟
– پاسخ به این سوال بستگی به موقعیت هر فرد دارد. افرادی را که در حال حاضر مشغول به تحصیل در رشته گرافیک هستند می توانند موفقیت های خوبی در آینده کسب کنند.
– در حال حاضر هنوز با بنیاد نخبگان در ارتباط هستید؟
– بله، به مدت چهار سال است که با بنیاد نخبگان در ارتباط هستم.
– در بنیاد چه کمک هایی به افراد نخبه می کنند؟
– اعطای وام و تسهیلات، برگزاری کارگاه های آموزشی گروهی برای نخبگان و سرآمدهای علمی در سطح کشور، حمایت از ایده های نخبگان.
– به نظر شما بین استعداد و پشتکار فکر می کنید کدام یک مهمتر است؟
– استعداد یک قابلیت درونی است که هر فردی واجد آن نیست ولی همین توانایی در شرایطی شکوفا می شود که فرد با پشتکار مداوم و انگیزه جدی برای رسیدن به هدفی تلاش کند.
– به نظر شما انجمن ها می توانند در زمینه افزایش سطح دانش در جامعه کاری انجام دهند؟
– بله، آموزش های مختلف و تبادلات ایده ها و افکار بین شرکت کنندگان که انجمن ها می توانند راهنمای خوبی برای افراد باشد.
– در پایان اگر حرف خاصی دارید بفرمایید؟
– توصیه من به جوانان علاقمند و مشتاق این است که با بروز مشکلات و موانع از هدف خود دست نکشند زیرا هر موفقیتی جز با مداومت و پشتکار لازم حاصل نمی شود. در پایان از نسیم جنوب، بنیاد نخبگان استان بوشهر، خانواده گرامی و اساتید خوبم خصوصا سرکار خانم ترک زاده کمال تشکر دارم.

جوانان، امیدوار به تدبیر روحانی پس از برجام

نسرین فقیه – دانشجو

یکی از مهمترین دست آوردهای دولت دکتر روحانی، بازگشت امید به بدنه اجتماعی و خصوصا جوانان است. به دلیل سیاست ها و برنامه های مخرب دولت احمدی نژاد، ناامیدی و یاس در بین اکثر مردم و خصوصا جوانان، بی انگیزگی و عدم امید به آینده را به وجود آورده بود و از این رو شاهد هدر رفت پتانسیل عظیم جامعه در روند توسعه و پیشرفت کشور بودیم. اکنون و با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و برخورد تعقلانه و کارشناسی با مسائل و مشکلات، کشور در حال بازگشت به روند طبیعی پیشرفت خود است و خوشبختانه با تلاش مدبرانه و سیاست عزتمندانه دولت روحانی، مسئله پیچیده و پرهزینه سیاست هسته ای که همراه با خود تحریم های کمرشکن را به ارمغان آورده بود، در حال رفع شدن است و موفقیت برجام دولت توانسته است بارقه امید را در دل جوانان زنده نماید.
جوانان به عنوان بزرگترین و مبارک ترین سرمایه ملّی کشور، علاوه بر سایر حقوق شهروندی، باید از شغل آبرومندانه و درآمد کافی برای یک زندگی خوب بهره مند باشند. بسیاری از مشکلات کنونی اجتماعی و روانی که در سالهای اخیر رشد قابل توجهی داشته اند، ریشه در وضعیت نابسامان اقتصادی جامعه و از جمله جوانان دارد. کمترین پیامد نابسامانی اقتصادی، ناتوانی جوانان در ازدواج و تشکیل خانواده است که همین موضوع میتواند ده ها آسیب عمده را متوجه جامعه نماید.
خوشبختانه دولت روحانی به طور کامل پی به اهمیت ایجاد اشتغال برای جوانان برده است ولی برای ایجاد اشتغال مورد قبول نیاز به نرخ رشد ۸ درصدی اقتصاد در سال می باشد و این نرخ رشد اقتصادی در حالی باید بدست آید که دولت میراث دار نرخ رشد منفی ۶ درصدی اقتصاد از دولت قبل از خود است.
متاسفانه در دورانی که ۷۵۰ میلیارد دلار درآمد برای دولت احمدی نژاد حاصل شد، به دلیل سیاست های ضد اقتصادی، نتیجه ای در ایجاد اشتغال گرفته نشد ولی امیدواریم که مسئولان نظام با درک شرایط کشور و مشکلات جوانان راه را برای جذب سرمایه گذاران خارجی و رونق اقتصاد و ایجاد اشتغال فراهم کنند.
سرمایه گذاران داخلی و خارجی باید از امنیت سرمایه های خود اطمینان داشته باشند و این اطمینان باید با اتخاذ سیاست های کلان کشوری به دست آید که در آن صورت نظام از امنیت سرمایه گذاری حمایت کند و عرصه را بر سیاست ها و برنامه های افراط گرایان و رانت خوران تحریم ببندد.

چرا آموزش جوانان برای ازدواج جدی گرفته نمی‌شود؟

نقش آموزش به عنوان مولفه ای سازنده در جوامع امروزی مطرح است.
به واقع در هر حوزه ای، آموزش اصولی، امری راهگشا و موثر و بالعکس، فقدان آموزش هزینه ساز و چالش برانگیز است و می تواند مسبب بسیاری از مشکلات شود.
به تعبیری این آموزش است که ضریب اشتباهات و خطاها را به حداقل ممکن کاهش می دهد و با اشراف و تصویری حقیقی از واقعیات موجود می توان مهارت های لازم در عرصه ها و ابعاد گوناگون را کسب کرد.
یکی از عرصه های حائز اهمیت که لزوم آموزش در آن به شدت احساس می شود، معطوف به مهارت های زندگی می شود.
فن مهارت ها زندگی از اصول بسیار شاخص و قابل توجهی به شمار می رود که با علم به آن می توان استرس ها، هیجانات، خشم و... را کنترل کرد.
آموزش مهارت های زندگی در زمره فنونی است که فراگیری آن می تواند در عرصه های گوناگون زندگی اعم از تحصیلی، ورزشی، شغلی، راه گشا واقع شود.
با کند و کاوی در پرونده های دادگاه های خانواده به وضوح مشاهده می شود که بخش اعظمی از طلاق ها ناشی از خشونت و اعتیاد است که با آموزش مهارت های زندگی می توان از بروز بسیاری از این معضلات جلوگیری کرد.
ضرورتی که مسئولان زیربط را بر آن داشته تا آموزش های پیش از ازدواج را الزامی کنند و معاون ساماندهی امور جوانان بر لزوم آن تاکید کرده است.
محمدرضا رستمی در این ارتباط اظهار کرد: این طرح یکی از اقدامات ارزشمندی است که می توانست خیلی زودتر از این ها به نتیجه برسد و علیرغم بودجه بالایی که برای تدوین آن مدنظر قرار گرفت، متاسفانه طرح مورد اشاره به انحراف کشیده شد و مقرر است مجددا تدوین آن در دستور کار قرار گیرد.
با توجه به اظهارات معاون ساماندهی امور جوانان،آموزش های پیش از ازدواج به امری ضروری و الزام آور مبدل خواهد شد که کلیه متقاضیان ازدواج و زوجین پیش از وقوع این امر خجسته که در شریعت اسلامی نیز از آن به عنوان سنت پیغمبر(ص)یاد شده، مجاب به گذراندن آن می شوند.
مشاوره پیش از ازدواج بخش های متعددی را در بر می گیرد که از ملاک های انتخاب همسر، تحلیل اصولی و منطقی و به دور از هیجانات از وقایع تا مهارت های زندگی و ارتباط با همسر در دوران پس از ازدواج را در بر می گیرد، زنجیره ای که در صورت انسجام منطقی و برخورداری از نظم و هارمونی لازم می تواند ضامن خوشبختی زوجین و حتی فراتر از آن یک نسل شود.

لزوم توجه به ملاک ها و معیارهای گزینش همسر

مهمترین اصل در انتخاب همسر، مشمول ملاک هایی می شود که در مقام عمل مشخص کننده معیارهای مورد نظر فرد در گزینش همسر آینده خود خواهد بود.
به تعبیری نقشه راهِ عبور از مسیر پر فراز و نشیب زندگی مشترک، در چارچوب معیارهای انتخاب شده برای همسرگزینی ترسیم می شود.
نگاه و روحیه هیجانی باعث نادیده گرفتن چنین معیارهایی می شود و اولین گام نادرست که ضریب شکست در آینده را افزایش می دهد معطوف به همین بخش می شود که با نادیده انگاشتن معیارها، مسائل فرعی و هیجانی بر اصول اصلی انتخاب همسر غلبه می کند.

بررسی آمادگی طرفین برای ازدواج

یکی دیگر از موارد اساسی در تحکیم بنیان زندگی



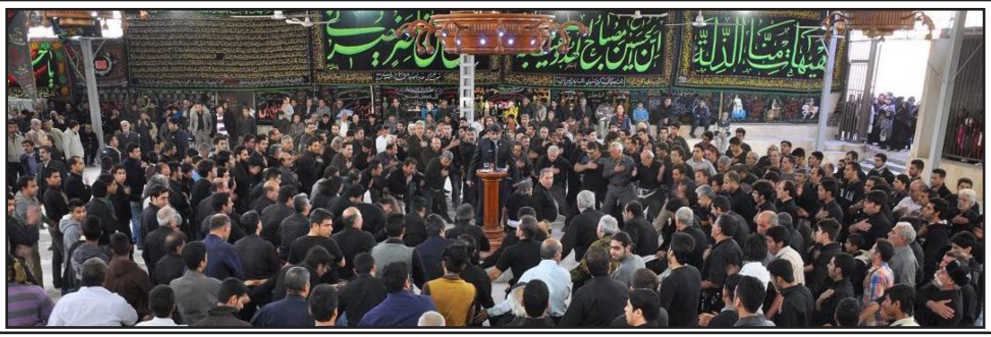
و تشکیل خانواده، معطوف به سطح آمادگی و بلوغ فکری، جنسی، اجتماعی و اقتصادی فرد برای آغاز یک زندگی مشترک می شود.
پختگی لازم برای شروع راهی پر فراز و نشیب، اصلی ضروری به نظر می رسد که هر گونه چالش و ضعفی در آن باعث انحراف از مسیر صحیح زندگی می شود.
فهم و جهان بینی افراد از زندگی، اجتماع، و مناسبات درون خانوادگی و برون خانوادگی از عناصر و مولفه های حائز اهمیتی است که بی توجهی به آن می تواند به تدریج به عاملی برای گسست و از هم گسیختگی در زندگی مبدل شود.
پریسا خزائی، مددکار و کارشناس امور خانواده در گفتگو با خبرنگار اجتماعی باشگاه خبرنگاران در تشریح جایگاه بلوغ و پختگی و فهم مدیریتی در مناسبات درون خانوادگی و برون خانوادگی اظهار کرد: پیرو بررسی های انجام شده در نیمی از گسست ها و طلاق های ثبت شده، نقش خانواده ها و اطرافیان مشهود است.
وی افزود: البته این امر نباید با این نتیجه گیری جمع بندی شود که زوجین در محیطی ایزوله شده و به دور از هر گونه شور و مشورت با خانواده، مسیر زندگی خود را طی کنند.
خزائی گفت: به هر حال تجربه و آگاهی های بزرگان خانواده و اطرافیان در برون رفت از بن بست ها و جلوگیری از بروز مشکلات زوجین بسیار موثر است اما باید تفاوتی میان مشورت و هم اندیشی با دخالت های نابجا، بی حد و حصر و افراطی اطرافیان در امور زندگی زوجین قائل بود.
وی اَفزود: دخالت های مهار نشده اعضای خانواده، دوستان و آشنایان در امور زندگی باعث سردرگمی و بی ثباتی و به مرور تلخ کامی و شکست در زندگی می شود.

تطابق و تناسب شخصیتی، ضامن بقا زندگی

واکاوی و بررسی ویژگی های شخصیتی و اخلاقی طرفین از دیگر مولفه های اثرگذار در دوام و قوام زندگی به شمار می رود.
بطور یقین همسانی شخصیتی زن و مرد بصورت ۱۰۰ درصد تقریبا غیر ممکن است و وجود تفاوت ها در انسان، امری بدیهی به شمار می رود.
به تعبیری زن و مرد مکمل یکدیگر هستند و شاید تنها وجه اشتراک انسان ها با یکدیگر متفاوت بودن آنها است.
اما تفاوت عمیق در مبانی، جهت گیری ها امری قابل توجه است که در صورت تضاد و تناقضات مبنایی، امکان بروز مشکل در زندگی مشترک، قطعی خواهد بود.
درون گرایی، برون گرایی، ریشه ها و بنیان های عقیدتی و ارزشی از نمونه مواردی است که هر آنچه بر شکاف و تضاد میان آنها افزوده شود به همان میزان نیز بر بار احتمال وقوع طلاق می افزاید.

از جبر و تقدیر تا اختیار و تعقل در زندگی

فارغ از تمامی موضوعات اشاره شده، نباید از نظر دور داشت که توکل به خدا در قدم نهادن به امری خیر راهگشای بسیاری از کمبودها،کاستی ها و مشکلات خواهد بود اما این نافی اختیار انسان نیست.
بطور یقین بخشی از زندگی با تقدیر الهی رقم می خورد اما اختیار و تعقل نیز عنصری حائز اهمیت و تعیین کننده در مسیر زندگی خوهد بود.
به واقع نقطه سقوط و یا صعود بشری در بزنگاه های انتخاب ها و تصمیم گیری ها رقم می خورد.
انتخاب مسیر زندگی، انتخاب شغل، انتخاب همسر و... از نمونه مواردی است که به سمت و سوی زندگی جهت می دهد و همه این ها موید جایگاه عظیم تفکر و تعقل در حیات بشری است و تنها ویژگی که انسان را در جایگاه اشرف مخلوقات قرار داده همین مولفه حائز اهمیت است، اصلی که با بهره گیری از آن می توان آینده را ساخت.
به تعبیر اندیشمندی بهترین راه پیش بینی آینده ساختن آن است، ساختنی که توکل، تعقل وتلاش پایه های تحکیم کننده آن خواهد بود و هر آنچه درایت و تدبیر در آن لحاظ شود امکان موفقیت نیز در آن تقویت می شود و در این وادی آموزش عنصری برجسته محسوب می شود که زمینه ساز و شکل دهنده ارکان به هم پیوسته ملزومات زندگی در بخش های فکری، نظری و مدیریتی خواهد بود.
منبع: باشگاه خبرنگاران



هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر

دیداری با سید کوچک هاشمی شاعر و محقق شهرستان دشتی

زندگی با کلمه، واژه و کتاب

مهدی جهانبخشان



آوازه "سید کوچک هاشمی" را بسیار شنیده ام، تعریف زیادی از زحماتش در زمینه گردآوری واژه های دشتی از اینجا و آنجا به گوشم خورده است. دلم می خواست از نزدیک او را ببینم و با هم به گفتگو بنشینیم.

سید سالهاست که در اتاق کوچکش با انبوهی کتاب و فرهنگهای لغات گوناگون داخلی و خارجی به تحقیق و تفحص می پردازد.

لهجه مردم دشتی برگرفته از زبان پهلوی باستان است یعنی همان زبانی که برخی با تمسخر از آن یاد می کنند و این لهجه را لهجه روستایی و دهاتی قلمداد می کنند.

از طرفی در پیامکهای دنیای مجازی از انوشیروان و خسرو پرویز به عنوان مفاخر ملی یاد می کنند و از طرفی زبان آنها که در لهجه دشتی مستتر است را به سخره می گیرند.

واقعیت این است که اگر یک ایرانی متعلق به دوران ساسانی زنده شود، لهجه تهرانی در نظرش ناآشنا جلوه خواهد کرد زیرا قدمتش دویست سال و یادگار فتحعلی شاه قاجار است که کلمات فارسی را روی آهنگ زبان ترکی گذاشته است.

فرصتی دست داد تا این بزرگوار را از نزدیک ببینم. ما را به اتاق کوچکش که هم محل تحقیق و هم محل خورد و خوابش است، دعوت می کند.

«استاد سید کوچک هاشمی» می گوید: از سال ۴۶ بطور مرتب از ساعت ۴ صبح تا هفت بعدازظهر به کار تحقیق روی کلمات مشغولم.

در کتابخانه اش فرهنگ واژه های اردو، سانسکریت، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی، پرتغالی و غیره بهمراه واژه نامه هایی از لهجه های مختلف کشور خودنمایی می کند.

در کنار این کتابها، کتب دیگر مذهبی و تاریخی و سیاسی خودنمایی می کند که همه محل رجوع سید است.

به کلماتی اشاره می کند که در زبان و لهجه های کردی، ترکی، مکری، گورانی و لکی با واژه های دشتی اشتراک دارند.

وسعت دانش سید بی حد و حصر است حتی در تحقیقاتش متوجه شده که ۱۵۰۰ واژه زبان کامبوجی با زبان فارسی مشترکند.

پانزده جلد واژه نامه دشتی و شصت جلد تحقیق در مورد واژه های تطبیقی و متشابه، ماحصل سالها تحقیق اش است.

در خصوص خط بیان می دارد که فنیقی ها خط را اختراع کردند و یونانی ها آن را به شکل امروزی در آوردند. خط میخی را از دستاوردهای آرامی ها می داند و معتقد است که خط میخی مورد استفاده سرزمین اسرائیل و لبنان و سوریه که جزء خاک ایران بوده اند، قرار می گرفته است.

توضیحات فراوانی را در زمینه خط و زبان ارائه می دهد که فقط بخشی از آن به یاد من مانده است.

سید متولد ۱۳۲۴ و دارای لیسانس زبان است و چند سالی در دبیرستانها مدرس بوده است.

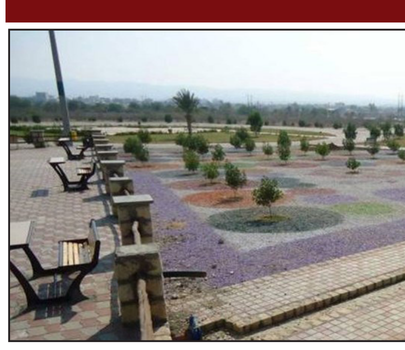
از همکلاسی های معروفش زنده یاد استاد زنگنه و استاد عبدالحسین ریشهری است. مدتی هم در کتابخانه ایران شناسی در کتابخانه مشغول بوده است (بعد از بازنشستگی اش).

با توجه به وسعت دانش ایشان در مورد ادبیات و خط و زبان و تحقیقات گسترده اش لقب دانشمند برازنده اوست.

به احترامش کلاه از سر برمی دارم. مردی که یکه و تنها و با عشقی که به آب و خاکش دارد، در حفظ دانش معنوی زادگاه وکشورش بی وقفه تلاش می کند.



۴۴۰ بوستان روستایی در استان بوشهر احداث می‌شود



سرپرست اداره کل بنیاد مسکن استان بوشهر گفت: ۴۴۰ بوستان امید روستایی در سطح این استان احداث می‌شود. حمید حیدری در گفتگو با خبرنگار مهر با بیان اینکه تلاش داریم این پروژه‌ها تا پایان سال به بهره‌برداری برسد، اظهار کرد: برای اجرای این پروژه‌ها بالغ بر ۳۰۰ میلیارد ریال اعتبار هزینه می‌شود. وی افزود: اجرای این پروژه‌ها در برخی از شهرستان‌ها شروع شده و در برخی از روستاها نیز در مراحل طراحی هستند. حیدری با بیان اینکه در دو سال اخیر توجه خوبی به روستاها شده است، یادآور شد: در سال جاری و در قالب پروژه‌های امید، زمین چمن مصنوعی و بوستان امید روستایی در روستاهای این استان احداث می‌شود.وی از سرعت در توسعه زیرساخت‌های روستاها خبر داد و گفت: استاندار بوشهر نیز توجه ویژه‌ای به این موضوع دارد و با برنامه‌ریزی صورت گرفته بوستان‌های امید در همه روستاهای استان اجرا و در برخی از روستاها نیز بوستان‌های موجود تجهیز خواهند شد. سرپرست اداره کل بنیاد مسکن استان بوشهر خاطرنشان کرد: بوستان‌های امید روستایی بنا به نسبت جمعیت ساخته و تجهیز می‌شوند.

سفیران ۱۵ کشور به دیدن سیراف آمدند



سفرای بیش از ۱۵ کشور آسیایی، اروپایی و امریکایی از جمله کشورها: اسپانیا، فنلاند، کرواسی، بلغارستان، هند، پاکستان، چین، کره جنوبی، ترکیه، عمان، فیلیپین، اندونزی و مکزیک از آثار بندر تاریخی سیراف از نزدیک دیدن کردند. سفرا ابتدا از مجموعه تاسیسات آبرسانی دوره ساسانی بازدید کردند. به گفته برخی از سفیران از جمله سفیران کرواسی، فنلاند و هند این آثار از عجایب دنیای باستان می باشند. پس از ارائه توضیحات، این سفیران از نحوه دست کنده های سیراف و نحوه ساخت چاههای سیراف که از رازهای نامکشوف دنیای باستان می باشد، تعجب نمودند. بعد از تنگ لیر سفرا به موزه سیراف رفتند و از اشیاء موجود بازدید کردند. از جمله اشیا مورد توجه آنها کوزه آمفورا، اسکلت بدست آمده از گور دخمه ها و آب میوه گیری سنگی هزار سال پیش بود.در این بازدید سفیر فنلاند که برای دومین بار به سیراف سفر نموده بود، از نحوه نگهداری اشیا در این موزه انتقاد نمود.

در پایان این بازدید، موسسه سیراف کتاب آلبوم تصاویر سیراف را به رسم و یادگاری به این سفیران هدیه نمود.

نوحه ی اربعین

زنده یاد سید علی مهیمنیان

ز شام غم روانه شد آل حیدر
سر شک از دیده باران با حال مضطر
بفلک شد بانگ عزا به زمین کربلا
چنین می گفت و زینب کی جان خواهر
امان از جور اعدا و شمر کافر
ره شام خراب و جمع اسیران
پرستاری بیمار و خیل طفلان
سری بردار و بنگر عروس نا شاد
ببارد خون زدیده زمرگ داماد
ببین لیلا نموده گیسو پریشان
بروی قبر اکبر با آه و افغان
نمی آید بگوشم صدای اصغر
مهیمنیان بپا کن شورش محشر
که از شام غم آمد زینب مضطر

نوحه ی اربعین

از: مرحوم ناخدا عباس

قتل شاه دین است، یا که اربعین است



زهرا به جنت به فغان و ماتم نشین است
زینب از شام غم، وارد کربلا شد
بر سر و بر سینه زنان و ماتم نشین است
هر دم زند بر سر، با صد افغان سکینه
از غم باب و اخوان و ماتم نشین است
ام کلثوم هر دم، بر سینه و سر زن
از غم عباس جوان و ماتم نشین است
ام لیلا هر دم، بر سینه و سر زن
از غم اکبر جوان و ماتم نشین است
ای ناخدا هر دم، بر سینه و سر زن
از قاسم جوان و ماتم نشین است

اشکون زن



اشکون زن معمولاً یک نفر است و از این نظر به این نام معروف است که ریتم یکنواخت بقیه دمام زن ها را می شکند. اشکون زدن مهارت خاص می خواهد و همه کسان به این سادگی از عهده آن بر نمی آیند. تمام دمام زن ها در یک طرف، و اشکون زن در سوی دیگر جلوه گری می کند. در این میان چشم بیشتر تماشگران به جانب اشکون زن است و اوست که از نظر همه را به خود جلب می نماید زیرا ضرب آهنگی برخلاف با دیگر دمام زن ها ولی همگام با آنان می نوازد و همین کار اوست که به گروه دمام زن، گرمی دیگر می بخشد.

عبدی پور با عبدالحلیم به فجر نزدیک شد



فیلمبرداری فیلم سینمایی «آه ای عبدالحلیم» به کارگردانی احسان عبدی پور در بوشهر به پایان رسید و تدوین این اثر سینمایی توسط سپیده عبدالوهاب آغاز شد.

احسان عبدی پور کارگردان که «آه ای عبدالحلیم» سومین فیلم حرفه ای وی می باشد، درباره روند تولید آن گفت: فیلمبرداری «آه ای عبدالحلیم» را نیمه شهریور به تهیه کنندگی مهتاب کرامتی و طهورا ابوالقاسمی آغاز کردیم و طبق برنامه ریزی انجام شده، عصر روز ۳ آذرماه فیلمبرداری را با مدیریت فیلمبرداری ساعد نیک ذات در بوشهر به پایان بردیم.

وی که با مهر گفتگو کرده، درباره تفاوت «آه ای عبدالحلیم» با «تنهای تنهای تنها» و «پاپ» به عنوان دو فیلم قبلی‌اش توضیح داد: برای نخستین بار بود که با بازیگران کار می‌کردم و همین همکاری برای من جذاب و در عین حال متفاوت بود.

عبدی پور یادآور شد: مصطفی زمانی، رضا یزدانی، پگاه آهنگرانی و سوگل قلاتیان بازیگرانی هستند که در فیلم «آه ای عبدالحلیم» بازی کردند و زمانی که با این بازیگران صحبت می کردم و نظر آنها را جویا می شدم بر خوب بودن این تجربه تاکید می کردند. حس و حال فیلم هم پشت دوربین و هم مقابل دوربین خوب بود و فکر می کنم در نهایت اثر خوب و قابل تاملی از آب درآید.



این کارگردان جوان سینما با اشاره به داستان فیلم گفت: داستان فیلم درباره یک گروه موسیقی بوشهری است و رضا یزدانی نقش یک خواننده راک را بازی می کند و کل داستان در قالب یک ملودرام اجتماعی روایت می شود.

عبدی پور درباره بازی رضا یزدانی عنوان کرد: یزدانی تنها گزینه ای بود که هنگام نگارش فیلمنامه به آن فکر می کردم و خوشبختانه زمانی که فیلمنامه را خواند اعلام آمادگی کرد که در این فیلم بازی کند و در نهایت این همکاری شکل گرفت.

وی با اشاره به حضور پر رنگ موسیقی در این فیلم سینمایی گفت: محور اصلی فیلمنامه براساس موسیقی شکل گرفته و محسن شریفیان که از هنرمندان بوشهری فعال در عرصه موسیقی است برای این فیلم موسیقی ساخته است.

وی در پایان متذکر شد: تلاش می کنم فیلم «آه ای عبدالحلیم» را برای حضور در جشنواره فیلم فجر آماده کنم ولی اگر فیلم کامل نشود اصراری ندارم به هر قیمتی نسخه ای از آن را به جشنواره فجر برسانم و نمی خواهم کیفیت فیلم را فدای نمایش در جشنواره کنم.